

آئینه‌ها

نشریه دوماهانه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند (تهران)

شماره چهل و هفتم، آگوست-سپتامبر ۲۰۱۲ م.، مرداد-شهریور ۱۳۹۱ ش.



نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ برای دیدار با رهبر معظم ایران
حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای رفت

مدرسه سفارت هند - تهران

(یک مدرسه بین المللی عالی)

نکات برجسته:

- پیش دبستانی تا کلاس دوازدهم
- تمام درس ها به زبان انگلیسی تدریس می شود
- آموزش با کیفیت عالی با تأکید بر رشد شخصیتی منسجم
- گروه معلمان و دبیران بسیار ماهر و متعهد
- آزمایشگاه های کاملاً مجهز
- کامپیوتر با دسترسی به اینترنت
- فعالیتهای ورزشی (داخل سالن و هوای آزاد)
- آمفی تئاتر چند منظوره
- سرگرمی های همزمان برای عرضه و بهبود بخشیدن استعدادها
- وابسته به هیئت مرکزی آموزش متوسطه (Central Board of Education)، دهلی نو
- تسهیلات ایاب و ذهاب از تمام نقاط شهر
- چند ملیتی به معنای واقعی (شاگردان بیش از ده کشور مشغول تحصیل هستند)
- تشویق نوآوری، ابتکار و خلاقیت
- القا و آموزش ارزش سکولار و انسانی
- بوفه با خوراکی های بهداشتی

ریاست مدرسه : جوگال کیشور

تلفن: ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۳۴۶۴۰

دورنگار : ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۲۰۲۴۲

نشانه الکترونیکی : kvtehran@yahoo.com

آئینه هند (نشریه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند - تهران)

شماره چهل و هفتم، اوت-سپتامبر ۲۰۱۲ م، مرداد-شهریور ۱۳۹۱ ش.

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

سردبیر: دکتر عبدالسمیع (دبیر سوم)

abdulsami008@gmail.com

مترجم و ویراستار: سید عبدالقادر هاشمی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	در آئینه ی تصویر
۹	سخنرانی رئیس جمهور هند خطاب به ملت در آستانه شصت و ششمین روز استقلال هند
۱۵	یک شخصیت اجتماعی جذاب / نویسنده: بالمیکی پراساد سینگ (Balmiki Prasad Singh)
۲۱	هند شگفت انگیز؛ بناهای تاریخی-قسمت سوم / متن: هیمانشو پرابها رای (Himanshu Prabha Ray) / عکس ها: امیت پاسریچا (Amit Pasricha) / ویراستار: ورشا داس (Varsha Das)
۳۱	آوازه زبان و ادبیات فارسی در هندوستان / دکتر فرزانه اعظم لطفی
۳۹	نور هدایت / نویسنده: بالمیکی پراساد سینگ (Balmiki Prasad Singh)
۴۴	ادامه در آئینه ی تصویر

خوانندگان عزیز و گرامی! ما از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کنیم و از شما دعوت می کنیم که مقالات و نوشته های خود را راجع

به روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران و هند (به صورت افتخاری) برای انتشار در این مجله ارسال نمایید.

نشانی ما عبارت است از: تهران - خیابان میرعماد - شماره ۲۱ یا تهران صندوق پستی شماره ۴۱۱۸-۱۵۸۷۵

نشانی الکترونیکی: indemteh@dpimail.net دورنگار: ۸۸۷۵۵۹۷۳ - ۸۸۷۴۵۵۵۷

علاقه مندان به این مجله می توانند با نشانی مجله مکاتبه نمایند تا برای آنها به طور رایگان ارسال گردد.



نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ برای دیدار با رهبر معظم ایران حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای رفت



نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ برای دیدن رئیس جمهور محترم ایران جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد رفت



رئیس جمهور محترم ایران جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد در رأس هیئت ایرانی طی ملاقاتی با نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ



نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ در رأس هیئت هندی در اجلاس سران جنبش غیر متعهد با رئیس جمهور محترم ایران جناب آقای دکتر احمدی نژاد ملاقات نمود



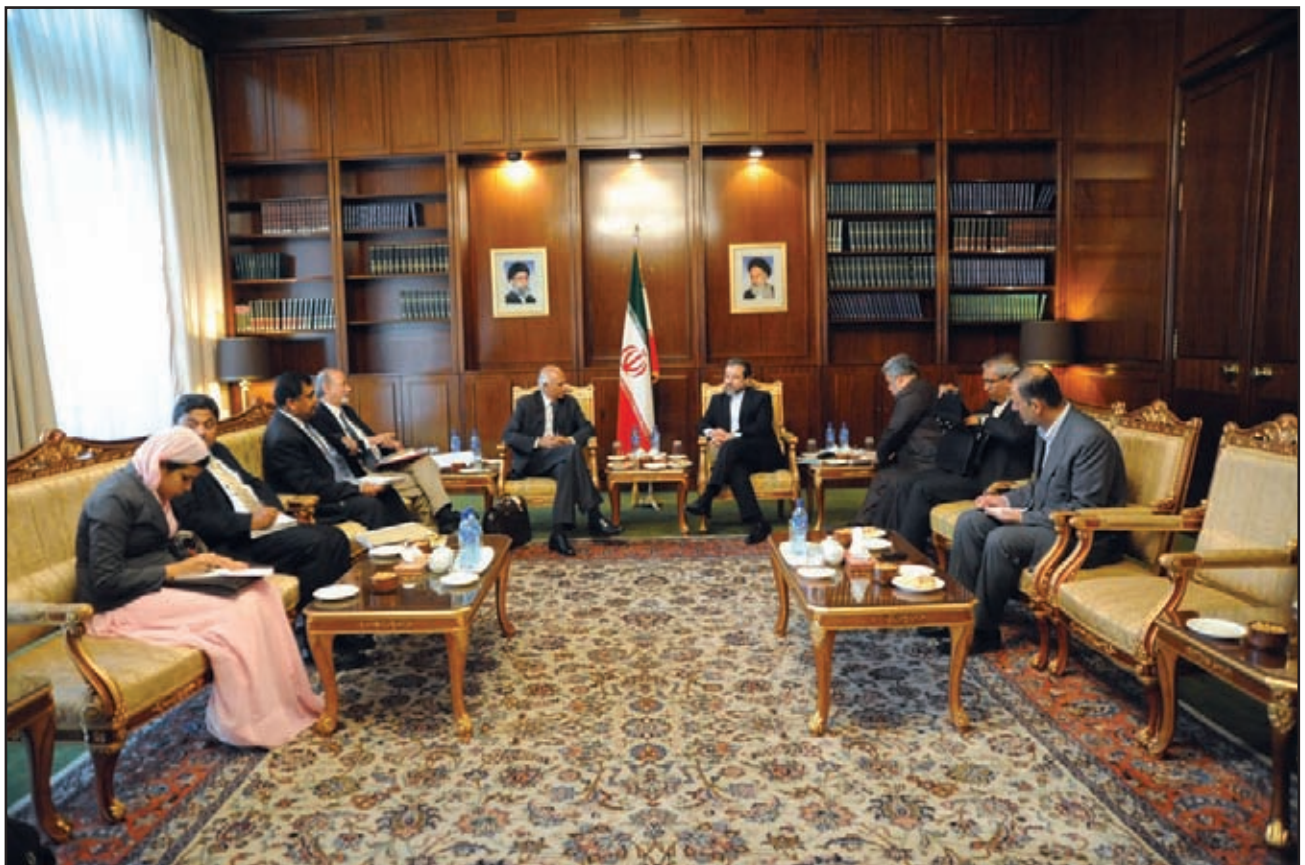
نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ طی ارتباط با جامعه هندی‌ها در ایران در زمان اجلاس سران جنبش غیر متعهدهای ۲۰۱۲م. برگزار شده در تهران



وزیر خارجه محترم هند جناب آقای اس.ام. کریشنا در ملاقاتی با همتای ایرانی خود جناب آقای دکتر اکبر صالحی



معاونت وزارت امور خارجه هند جناب آقای رنجان متھائی با وزیر خارجه محترم ایران جناب آقای دکتر اکبر صالحی



معاونت وزارت امور خارجه هند جناب آقای رنجان متھائی در ملاقاتی با معاون وزیر امور خارجه ایران جناب آقای سید عباس عرقچی



معاونت وزیر امور خارجه هند جناب آقای رنجان متهاپی در جلسه مقامات ارشد در طول اجلاس سران جنبش غیر متعهدهای NAM ۲۰۱۲ م. برگزار شده در تهران



همسر گرامی نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ در یک برنامه فرهنگی که دانش آموزان مدرسه کیندریا ویدیالیا (مدرسه سفارت هند) - تهران اجرا کردند



همسر گرامی نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ در برنامه فرهنگی تقدیم شده توسط دانش آموزان مدرسه کیندریا ویدیالیا - تهران



همسر گرامی نخست وزیر محترم هند جناب آقای مانموهان سینگ از گورودوارا [عبادت گاه سیکها] دیدن نمود



معلمان و دانش آموزان کیندریا ویدیالیا - تهران در عکسی با همسر گرامی نخست وزیر محترم همد جناب آقای دکتر مانوهان سینگ

سخنرانی رئیس جمهور هند پراناب موکهرجی خطاب به ملت در آستانه شصت و ششمین روز استقلال هند (چهاردهم اوت ۲۰۱۲ میلادی)

همشهریان من!

بسیار مفتخرم که برای نخستین بار هم میهنان هندی خودم را که در داخل کشورمان و در گوشه های بی شمار جهان زندگی می کنند به مناسبت شصت و پنجمین سالروز استقلالمان مورد خطاب قرار می دهم. کلمات نمی توانند به طور شایسته تشکر را از مردم و نماینده های آنان برای مفتخر ساختن من به این مقام والا بیان کنند، در عین حال من از این امر عمیقاً آگاهم که بالاترین افتخار در مردم سالاری مان در هیچ منصبی وجود ندارد بلکه در بودن شهروند مام میهنمان، هند وجود دارد. ما همه در برابر مادرمان فرزندان مساوی هستیم و هند از هر کدام از ماها، در هر نقشی که ما در ماجرای پیچیده ی ملت سازی داریم، می خواهد که وظیفه ی خود را با انسجام، تعهد و وفاداری راسخ به ارزشهایی که در قانون اساسی ما گنجانده شده، انجام دهیم.

۲. در روز استقلال مهم است به خاطر داشته باشیم که در عصر امپراتوری ها استقلال هرگز داده نمی شد و این گرفته می شد. این را نسلی از رادمردان به رهبری مرد توانای سرنوشت مهاتما گاندی که با اعتقاد فداکارانه و تزلزل ناپذیر بر علیه قوی ترین قدرت تاریخ با یک نیروی اخلاقی مبارزه کرد که فکر سیاسی را دگرگون کرد و انعکاس آن امروزه در تمام رویدادهای مهم در اطراف ما طنین انداز است، بدست آورد.

اگر گسترش مستعمره سازی اروپایی در هند قرن هجدهم آغاز شد، شعار وحدت "جای هند" [پیروز باد هند] نیز

پایانش را در ۱۹۴۷م. نشان داد. آخرین فریاد پیروزی "جای هند" را سوباش چاندرا بوس (Subhas Chandra Bose) که برای هر هندی با محبت نیتاجی (Netaji) معروف است، برآورد. پاندیت جواهر لعل نهرو، بابا صاحب امبدکار (Baba Saheb Ambedkar)، سردار والاب بائی پاتل (Sardar Vallabhai Patel)، مولانا ابوالکلام آزاد، [خانم] سروجنی نائیو (Sarojini Naidu) و بسیاری دیگر نقشه راه هند مستقل را کشیدند. این مردان و زنان فوق‌العاده امروزشان را برای فردای مان قربانی کردند. آن فردا فرا رسیده است و ما باید از خودمان این سوال را بپرسیم: آیا ما به آرمان بزرگ این شجاعان، به عنوان یک ملت و به عنوان یک جامعه، احترام گذاشته ایم؟

۳. من، وقتی که نیتاجی، به عنوان رئیس پنجاه و یکمین اجلاس کنگره ملی هند در هری پوره (Haripura) در کرانه رود تاپتی، به ما یادآوری کرده بود که "مهم ترین مسائل ملی ما ریشه کن کردن فقر، بی سوادی و بیماری است". سخنرانی او در تمام خانه ام همانند خانه های میلیونها نفر دیگر طنین انداز شد. پدرم یک مبارز راه آزادی بود و در طول آن سالهای طولانی هنگامی که آزادی یک توهم به نظر می رسید ایمان و اعتماد در خودمان، در رهبران مان، در نیروی عدم خشونت، در شجاعت هندیان آزاد از ترس و بیم، ما را حفظ کرد. اما آن وقت می دانستیم همچنانکه اکنون می دانیم که استقلال باید به مفهوم نان و روپا هر دو باشد.

۴. نیتاجی و نهرو جی^۱ معتقد بودند که هند با کاربرد تلفیقی، سامیواد (Samyavada)، که به ظاهر تضاد سازش ناپذیر به نظر می رسند، می تواند آینده را بدست آورد. آنها معتقد بودند که هند مستقل، از طریق مثال، از راه عدالت اقتصادی و یک انقلاب اجتماعی ناشی شده از هماهنگی بین جوامعی که گول خورده به مخاصمت پرداخته بودند، یک الگوی جانشین برای یک جهان بعد از مستعمراتی خواهد شد. سوق داده شده توسط آزادی، برابری جنسیتی و عدالت اقتصادی، هند ملتی مدرن خواهد شد. تقیصه های کوچک نمی توانند این حقیقت را پنهان کنند که هند دارد به چنین کشور مدرنی تبدیل می شود: هیچ مذهبی در کشورمان در خطر نیست و تعهد مستمر نسبت به برابری جنسیتی یکی از داستان های بزرگ زمان ماست.

هموطنان من!

۵. من آدم مذهبی نیستم، برای من لیوان همیشه نیمه پر است نه نیمه خالی. من حتی می خواهم بگویم که لیوان هند جدید بیش از نصف پر است. طبقه ی کارگر فعال ما، کشاورزان الهام بخش ما یک سرزمین تباه شده از قحطی را به یک مقام مازاد غذایی بالا برده اند، کارآفرینان کارخانه دار خلاق ما چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، دانشگاهیان ما و سیاست مداران با هم کشور جدیدی را به وجود آوردند که فقط در چند دهه در رشد اقتصادی و قانون گذاری اجتماعی متری فاصله ی چندین قرن را پشت سر گذاشته است.

۶. مادامیکه ما نفهمیم که در ۱۹۴۷م. از کجا آغاز کرده ایم، نمی توانیم درک کنیم که ما چقدر جلو آمده ایم.

چنانکه جواهر لعل نهرو در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود بارها خاطرنشان کرده است که وقتی استقلال ما را از دست ما ربوندند، هند کشوری فقیر نبود. باید اضافه کنم که هیچ کس برای فتح کشوری فقیر هزاران میل را طی نمی‌کند. برای شکاکان آمارهایی که به وسیله‌ی محققان بین‌المللی معاصر انتشار یافته شاهد و گواه است. در سال ۱۷۵۰ میلادی، هفت سال قبل از جنگ سرنوشت ساز پلاسی (Plassey) هند ۲۴/۵ درصد تولیدات جهانی را داشت در حالیکه بریتانیای کبیر فقط ۱/۹ درصد آن را داشت. به عبارتی دیگر یکی از چهار کالا در بازار جهانی در هند ساخته می‌شد. در حدود ۱۹۰۰ م. بازده هند در تولیدات صنعتی جهان فقط ۱/۷ درصد بود و بریتانیا ترقی کرده و به ۱۸/۵ درصد رسیده بود. انقلاب صنعتی غرب در قرن هجدهم در مراحل اولیه‌ی خود بود اما حتی در این مورد هم در آن زمان هند در صنعتی سازی سرانه از هفت به یک تنزل پیدا کرد در حالیکه بریتانیا از ۱۰ به ۱۰۰ جهش کرد. بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۴۷ م. رشد اقتصادی هند به طور میانگین یک درصد در سال بود. از چنین اعماقی، ما نخست به رشد سه درصدی بالا رفتیم و سپس یک جهش چشمگیر به جلو داشتیم؛ امروزه با وجود دو بحران بزرگ بین‌المللی که جهان و بعضی افت‌های داخلی را تکان داد، ما یک رشد متوسط بیش از هشت درصد را طی هفت سال گذشته ثبت کرده‌ایم.

۷. اگر اقتصاد ما پیشرفت مهمی را بدست آورده است، پس این امر باید سکوی پرتاب برای جهش بعدی بشود. ما به یک مبارزه استقلال دوم نیاز داریم، این بار برای تضمین این که هند برای همیشه از گرسنگی، بیماری و فقر نجات یابد. چنانکه سلف ممتاز من دکتر راداکریشنان به مناسبت هجدهمین سالگرد استقلال هند از همین تریبون سخنرانی کرده گفت: "پیشرفت اقتصادی یکی از آزمون‌های مردم سالاری است."

۸. اگر پیشرفت از آرزوهای فزاینده به ویژه آرزوهای جوانان عقب می‌ماند خشم خودش را نشان خواهد داد. ما کشوری هستیم که هم در سن و هم در روحیه جوان تر می‌گردیم، این هم فرصتی است و هم چالشی. جوانان تشنه‌ی دانش هستند که مهارت‌های آنان را بالا خواهد برد و خواهان فرصت که هند را در جاده‌ای سریع جهان اول قرار خواهد داد. آنان قابلیت را دارند، آنها به فرصت نیاز دارند. آموزش و پرورش بذراست و اقتصاد میوه آن. آموزش و پرورش خوب فراهم کنید، بیماری، گرسنگی و فقر کاهش خواهد یافت. چنانکه در سخنرانی پذیرش گفتم، شعار ما باید این شعار باشد: همه برای دانش و دانش برای همه. نگرش نمی‌تواند یک چشم انداز نامحدود باشد، این باید روی جوانان ما متمرکز شود.

هموطنان من!

۹. با وجود فشار فراوان یک محیط نامساعد خارجی، امروزه اقتصاد ما مقاوم تر و مطمئن تر است. دو دهه اصلاحات پایدار اقتصادی در بهبود درآمد متوسط و سطوح مصرف، هم در نواحی روستایی و هم در مناطق شهری، کمک کرده است.

جنب و جوش نویافته‌ای در بعضی از عقب مانده ترین نواحی وجود دارد که آنها را در روند کلی اقتصاد ملی وارد کرده است. باز هم خلاءهایی وجود دارد که لازم است پر شود. انقلاب سبز باید به منطقه‌ی شرقی کشور گسترش یابد. ایجاد زیربنای تراز اول دنیا باید دنبال شود. آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی باید در اسرع وقت به آخرین نفر برسد. کارهای زیادی انجام گرفته است و هنوز کارهای زیادی مانده است که باید انجام گیرد.

۱۰. امسال موسم بارندگی بی نظم و ترتیب بود. نواحی بزرگ کشور ما گرفتار خشکسالی هستند و بعضی دیگر به وسیله‌ی سیل تباه و نابود شده اند. تورم به ویژه تورم مواد غذایی نگران کننده است. درحالیکه موجودی غذایی ما خوب مانده است، ما نمی توانیم وضع اسفناک کسانی را که این امر را حتی در یک سال کم محصول ممکن ساخته اند یعنی کشاورزان ما را، فراموش کنیم. آنان در موقع لزوم ملت را رها نکرده‌اند و ملت باید در درماندگی آنان به آنها کمک کند.

۱۱. من قبول ندارم که در حفظ محیط و توسعه اقتصادی ما مغایرت ناقابل تفکیک وجود دارد. تا زمانی که به درس بزرگ گاندی جی گوش دهیم که: "در جهان برای نیاز انسان به اندازه‌ی کافی موجود است اما نه برای طمع انسان، ما در امان هستیم". ما باید یاد بگیریم که با طبیعت هماهنگ زندگی کنیم. طبیعت نمی تواند همیشه یکنواخت باشد، ما باید بتوانیم نعمت آن را در فصل‌های وفور بسیار حفظ کنیم تا در دوره‌های اتفاقی کمبود محروم نمانیم.

۱۲. خشم علیه بیماری عالمگیر فساد جایز است همانگونه که اعتراض علیه این آفت که توانایی و استعداد کشور ما را کاهش می دهد، بر حق است. زمانهایی پیش می آید که مردم صبر خود را از دست می دهند اما این امر نمی تواند بهانه‌ای برای حمله به نهادهای مردم سالاری ما بشود.

۱۳. نهادها ستون‌های قابل توجه قانون اساسی ما هستند و اگر آنها شکاف بردارند آنگاه آرمان‌گرایی قانون اساسی ما پا برجا نخواهد ماند. آنها بین اصول‌ها و مردم وجه مشترک هستند. نهادهای ما شاید از فرسودگی زمان آسیب دیده باشند، راه حل نابود کردن آنچه که ساخته شده نیست بلکه برنامه‌ریزی مجدد آنهاست تا آنها قوی‌تر از قبل شوند. نهادها حافظان آزادی ما هستند.

۱۴. هشیاری در مرزهای ما باید با هشیاری در دورن همانند باشد، ما باید اعتبار آن حوزه‌های حکومت، قوه قضائیه، مجریه و مقننه را که در آن راحتی خیال، فرسودگی یا فساد آزادی را مسدود کرده باشد، بازگردانیم.

مردم حق دارند که نارضایتی خود را اظهار کنند. اما باید این را هم درک کنیم که قانون‌گذاری را از مقننه و عدالت را از قوه قضائیه نمی توان جدا کرد.

۱۵. وقتی قدرت خودکامه می شود، مردم سالاری لطمه می بیند اما وقتی اعتراض همیشگی می شود ما با هرج و مرج بازی می کنیم. مردم سالاری یک فرایند مشترک است. ما همگی با هم برنده یا بازنده می شویم. خلق و خوی

مردم سالاری وقار رفتار و تحمل نظرهای مخالف را می‌طلبد. پارلمان جان مردم، آتمن [روح] هند است. ما حقوق و وظایف آن را با به خطر انداختن خود به چالش می‌کشیم.

۱۶. من این حرف را به عنوان یک تذکر و هشدار نمی‌زنم بلکه به عنوان تقاضایی برای درک بیشتر مسایل حیاتی که در پشت نقاب مسایل پیش پا افتاده پنهان هستند، می‌گویم. مردم سالاری برخوردار از فرصت بی نظیر رفع شکایات از طریق نهاد بزرگ پاسخگویی-انتخابات آزاد، می‌باشد.

۱۷. آتش‌های کهنه که ثبات کشور ما را تهدید می‌کنند کاملاً خاموش نگردیده‌اند، خاکستر هنوز هم از درون می‌سوزد. برای من به ویژه دردناک است که در آسام خشونت مشاهده کنم. اقلیت‌های مانیا به آرامش، تفاهم و مصونیت از تجاوز دارند. خشونت یک گزینش نیست، خشونت دعوتی است برای خشونت بزرگتر. اقدامات عملی برای التیام دادن زخم‌های آسام انجام گرفته است و از آن جمله است قرارداد آسام که طراح آن نخست وزیر جوان محبوب ما راجیو گاندی بود. ما باید آنها را دوباره بررسی کنیم و با روحیه‌ی عدالت و منافع ملی با اوضاع فعلی جرح و تعدیل کنیم. ما برای یک فوران اقتصادی جدید که علل رقابتی خشونت را از بین می‌برد به آرامش نیاز داریم.

۱۸. این یک حقیقت محیط ژئوپولیتیکی ما است که برخی از مسایل فراسوی مرزها می‌روند. سارک (SAARC) ۲۷ سال پیش ایجاد شد تا از طریق گفت و گو راه حل‌هایی بیابد و با همکاری متقابل پیشرفت سریع اقتصادی به وجود آورد که تنها راه حل برای مسایلی مانند مهاجرت و توسعه‌ی نابرابر است.

سارک باید برای انجام دادن ماموریت خود توانایی بدست آورد.

۱۹. سارک باید در مبارزه مشترک علیه تروریست‌ها وسیله‌ی بزرگی باشد. پیروزی بزرگ از راه همکاری بین المللی امکان دارد. تمام کشورهای عضو سارک باید همکاری کنند تا آنهایی را که در چار و جنجال علیه بی‌گناهان اعتقاد دارند، به کیفر اعمال‌شان برسانند. راه دیگری برای آرامش در شبه قاره وجود ندارد.

۲۰. من به نیروهای مسلح‌مان و نیروهای پلیس‌مان که برای مهار کردن این خطر تروریسم با خریدن خطر جانی خود این همه کار کرده‌اند، افتخار می‌کنم. این هشیاری آنهاست که از هرج و مرج بیشتر جلوگیری کرده است. اگر ما در آرامش می‌خواهیم بدین علت است که آنها در ویرانی صحرا و کوه و جنگل و در تنهایی گسترده‌ی دریاها بیدار و هشیار هستند. من تعهدشان و وطن دوستی‌شان را تحسین می‌کنم. این امر دلگرم کننده است که نیروهای مسلح نه تنها این که آرامش ما را تضمین می‌کنند بلکه برندگان مدال در بازیهای المپیک را نیز آماده می‌کنند. من به تمام آنهایی که در بازیهای اخیراً به پایان رسیده با برنده شدن یا شرکت کردن مایه افتخار کشور شده‌اند، تبریک می‌گویم. تعداد جایزه‌ها شاید خیلی زیاد نباشد اما بهبود قابل توجه‌ای نسبت به تعداد گذشته است و چهار سال بعد هنگامی که امیدوارم شما را دوباره مورد خطاب قرار دهم مطمئن هستم که ما یک بهار مدال‌ها را جشن خواهیم گرفت.

هموطنان من!

۲۱. در تاریخ یک نفر است که نامش مترادف با صلح است و آن معمار استقلال ما گاندی است. هند یک سرزمین فراوانی است که در آن فقر مانع است، هند یک تمدن جذاب و شورانگیز دارد که نه تنها در هنر با شکوه ما بلکه در خلاقیت و انسانیت فوق العاده‌ی زندگی روزمره‌ی ما در شهر و روستا نیز می‌درخشد. وقتی ایندیرا گاندی دستش را به سوی ستاره‌ها دراز کرد، معتقد بود که این امر فقط در نسلی دیگر در دسترس هند خواهد بود. اما بدون یک محیط فرهنگ اتحاد و برادری ملی نه می‌تواند حال باشد و نه آینده.

هموطنان من!

بیایید ما راه نفرت، خشونت و خشم را ترک کنیم،

بیایید نزاع‌های کوچک و تفرقه‌مان را کنار بگذاریم،

بیایید ما با هم برای کشورمان با یک مهر فرزندی برای مادرش کار و کوشش کنیم.

بیایید ما به این دعا از اوپانیشادها اعتقاد داشته باشیم:

خدا ما را حفظ کند.

خدا ما را بی‌پروا کند.

خدا کند که با هم با قدرت و توانایی کار کنیم.

خدا کند که مطالعات ما درخشان باشد.

خدا کند که در بین ما هیچ گونه خصومت نباشد.

خدا کند که همه جا صلح و آرامش باشد.

باید صلح و آرامش ایدئولوژی ما و پیشرفت بینش ما باشد.

جای هند

یک شخصیت جذاب اجتماعی

نویسنده: بالمیکی پراساد سینگ (Balmiki Prasad Singh)

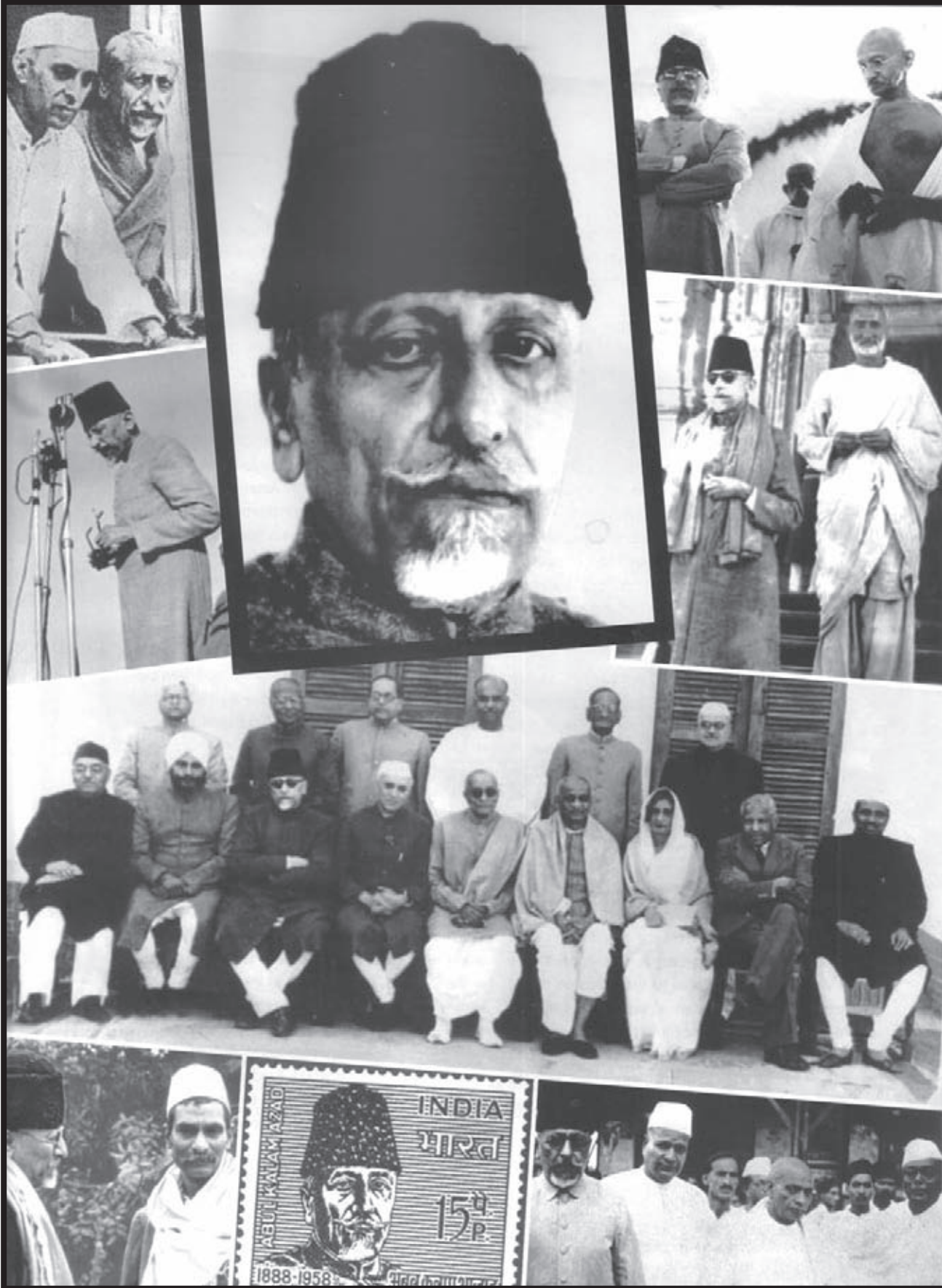
مولانا آزاد شخصی بود که زندگانی و آثارش ارتباط ماندگار برای کشور ما دارد. مردان و زنان بزرگ پیام‌های جاودانه دارند. آزاد یکی از آنان بود. مولانا ابوالکلام محی‌الدین احمد معروف به مولانا آزاد در روز یازدهم نوامبر ۱۸۸۸ میلادی در مکه چشم به جهان گشود. او تخلص "آزاد" را برای خود برگزید. و روز تولد او را در هند به عنوان روز ملی آموزش و پرورش جشن می‌گیرند. آزاد شخصی چند بعدی بود. او هم محقق، شاعر، روزنامه‌نگار، مبارز راه آزادی و رهبر حزب کنگره ملی هند بود و هم زبانشناس ماهر که قادر بود به زبانهای عربی، انگلیسی، اردو، هندی، فارسی و بنگالی تکلم نماید.

آزاد را تربیت می‌کردند که یک روحانی مسلمان شود اما با وجود آن او زندگانی خودش را به گونه‌ای دیگر شکل داد و به صورت یک مبارز شجاع راه آزادی، مبلغ اتحاد هندوان و مسلمانان و سازنده هند جدید شکوفا شد. او در صحنه ملی نسبتاً در اوایل زندگی ظاهر شد.

جنگ جهانی اول به اشغال نظامی استانبول (قسطنطنیه آن زمان) و الغای خلافت، که اهمیت مذهبی برای مسلمانان سرتاسر جهان داشت، انجامید. همدردی مسلمانان هند به ویژه مسلمانان سنی با ترکیه و خلافت عثمانی صادقانه، عمیق و دامن‌دار بود. آزاد همه این موارد را در یک مجله اردو به نام "الهلل" که توسط او در سال ۱۹۱۲ م. تاسیس شده بود و ویراستار آن خود او بود، ابراز و بیان می‌کرد.

یک روحیه ذاتی آزادی و بی‌توجهی حاکمان بریتانیائی نسبت به وضع اسفناک عامه مردم هند او را یاغی ساخت. او در مهاتما گاندی که از او نوزده سال بزرگتر بود دوستی پیدا کرد. این حقیقت که گاندی نیز از نهضت خلافت پشتیبانی می‌کرد آنها را به هم نزدیک‌تر ساخت. آزاد حامی پر شور و شوق گاندی و آرمان‌های عدم خشونت و نافرمانی مدنی او گردید. او نیز به عنوان یک فعال حزب کنگره در نقاط مختلف نهضت‌های عدم تعاون را آغاز کرد.

انگلیسی‌ها به سرعت دریافتند که آزاد دشمنی سرسخت و توانا بود. پس از این که در سال ۱۹۱۴ م. "الهلل" توقیف شد، آزاد انتشار هفته‌نامه دیگری به نام "البلاغ" را آغاز کرد. این هفته‌نامه هم بعد از دو سال توقیف شد. او را در سال ۱۹۱۶ م. از زادگاهش کلکته اخراج کردند و در رانچی بدون تفهیم اتهام زندانی کردند و این ممنوعیت فقط پس از پایان جنگ جهانی اول لغو شد.



زمانی که آزاد فقط ۳۵ سال داشت همکارانش در کنگره ملی هند در اجلاس ویژه‌ای که در سال ۱۹۲۳م. در دهلی تشکیل شد، او را به ریاست برگزیدند. در سال ۱۹۴۰م. در اجلاسی در رام‌گره (Ramgarh) او را به عنوان رئیس حزب کنگره انتخاب کردند که تا سال ۱۹۴۶م. کنگره ملی هند را رهبری کرد. این امر یک اظهار فوق‌العاده اعتماد بود چون برای این مقام عالی مدعی‌های متعددی وجود داشتند.

دو دیدگاه مختلف درباره آینده هند در مبارزه استقلال برجسته بود: یکی از یکپارچگی هند بر اساس اتحاد هندوان و مسلمانان حمایت می‌کرد و دیگری از ایجاد پاکستان بر مبنای نظریه دو ملیتی. این عقاید در خطابه ریاستی آزاد در کنگره و خطابه ریاستی محمد علی جناح در حزب مسلم لیگ در سال ۱۹۴۰م. با قدرت بیان شد.

آزاد اظهار داشت: "این سرنوشت تاریخی هند بود که نژادها و فرهنگ‌های بشری بسیاری با یافتن خانه‌ای در خاک مهمان نوازش در آن جریان پیدا کند و کاروان‌های بسیاری در این‌جا آرامش بدست آورد...

یک هزار و یکصد سال تاریخ مشترک (اسلام و دین هندو) با دستاوردهای مشترک‌مان هند را غنی ساخته‌اند. زبان‌های ما، شعر ما، ادبیات ما، فرهنگ ما، هنر ما، لباس ما، رفتار و سنت‌های ما ... همه و همه نشان از تلاش و جدّ جهد مشترک ما دارند... این هنر هزار سال زندگی مشترک ما، ما را به یک ملیت مشترک تبدیل کرده است... چه بخواهیم چه نخواهیم، ما یک ملت هند شده‌ایم، متحد و جدائی‌ناپذیر. هیچ خیال پردازی یا برنامه‌ریزی مصنوعی برای جداسازی و تفرقه اندازی نمی‌تواند این اتحاد را از بین ببرد."

دیدگاه محد علی جناح آشکارا مختلف بود: "این یک رؤیاست که هندوها و مسلمان‌ها می‌توانند یک ملیت مشترک را به وجود آورند و این تصور غلط یک ملت هندی فراتر از حدود رفته و سبب بسیاری از مشکلات ماست و اگر ما به موقع نتوانیم اقدامات خود را اصلاح کنیم منجر به نابودی هند خواهد شد. هندوان و مسلمانان به دو فلسفه مختلف مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی و ادبیات تعلق دارند. آنان نه با یک دیگر ازدواج می‌کنند و نه با هم غذا می‌خورند و بدون شک به دو تمدن مختلف که عمدتاً بر اساس ایده‌ها و عقاید متضاد استوار است، تعلق دارند. جهات زندگی آنها متفاوت هستند."

این دو اظهارات بیانیه‌های "کنگره" و "مسلم لیگ" بودند. نزاع بر سر این دیدگاه‌ها برای نتیجه مبارزه استقلال اهمیت مرکزی بدست آورد. از جهات متعدد ما هنوز هم با بقایای این تصورات کلنجار می‌رویم.

در روز سوم ژوئن ۱۹۴۳م. انگلیسی‌ها پیشنهادی را برای تجزیه هند و پاکستان بر اساس مذهب و آزادی ایالت‌های شاهزاده نشین برای انتخاب یکی از قلمروها اعلام کردند. جناح برنده روز بود و تصور او به حقیقت پیوست و بقیه تاریخ است. با وجود این، اگرچه جناح مدعی پیروزی بود، بخش نسبتاً بزرگ جامعه مسلمان عقاید مولانا آزاد را ترجیح می‌داد. تجزیه نه فقط یک تراژدی سیاسی بود بلکه یک ناکامی تمدنی هم بود. آزاد تبلیغ می‌کرد که دین را نباید به عنوان وسیله‌ای برای بدست آوردن اقتدار سیاسی استفاده کرد بلکه برای دگرگون ساختن روح انسانی. او سپس اعلام کرد: "فقط خداوند می‌داند که آینده آبستن چه چیزی است."

اما با این همه تاریخ مبارزه استقلال بدون درک نقش‌های متضاد محمد علی جناح و مولانا آزاد ناتمام خواهد ماند. سرگذشت طولانی مبارزه استقلال بدون حضور الهام بخش مولانا آزاد هم از نظر ماهیت و هم از نظر محتوی متفاوت می‌بود. آزاد به عنوان عضو مجلس مؤسسان که پیش نویس قانون اساسی هند را تهیه کرد، در گنجاندن اصول سیکولاریسم، آزادی و مساوی بودن تمام هندی‌ها در قانون



اساسی نقش مهمی داشت.

او در هیئت وزیران به رهبری [نخستین] نخست وزیر هند جواهر لعل نهرو نخستین وزیر آموزش و پرورش گردید. او همراه با نهرو یکی از بنیان‌گذاران نخستین موسسه تکنولوژی هند (Indian Institute of Technology=IIT) در کهرآگپور (Kharagpur) در سال ۱۹۵۱م. و کمیسیون کمک‌های مالی به دانشگاه‌ها (University Grants Commision) در دهلی نو در سال ۱۹۵۳م. بود. او آینده‌ای بزرگ در موسسه‌های تکنولوژی برای پیشرفت هند را پیش‌بینی کرد. او به عنوان وزیر فرهنگ در تأسیس سانگیت ناتاک اکادمی (Sangeet Natak Akademi) در سال ۱۹۵۳ برای ترویج نمایش و موسیقی و ساهیتیا



اکادمی (Sahitya Akademi) در سال ۱۹۵۴م. برای ترویج ادبیات هند و لالیت کلا اکادمی (Lalit Kala Akademi) در سال ۱۹۵۴ برای ترویج نقاشی و مجسمه سازی و برای تقویت شور و نشاط و استقلال هنرمندان و دانشمندان ما کمک کرد. این موسسات برای فراهم کردن فضای مردمی و عمومی گفت و گوهایی ملی در زمینه های فعالیتشان تأسیس شده بودند.

نهر و آزاد به خطمشی هند در قلمروی فرهنگ با حساسیت قابل توجهی دست یافتند که در آغاز مراسم با شکوه رژه روز جمهوری و خریداری های دولتی آثار هنری برای موزه های ملی

و منطقه ای به اندازه کافی منعکس شد. در مناسبت هایی مانند روز جمهوری ما کشورهای مختلف رژه های نظامی با شکوهی برای به نمایش گذاشتن قدرت مسلح خود در برابر جهان برگزار می کنند. آزاد و نهر و فکر کردند که برای هند شایسته خواهد بود که همراه با قدرت نظامی اش توانایی فرهنگی اش را به نمایش بگذارد. از آن زمان کشورهای مختلف دیگر این شیوه را اختیار کرده اند.

در ماه ژوئن ۱۹۴۸م. نهر و به طور اتفاقی با تعداد زیادی از نقاشی های زوج هنری مادر و دختر مجارستانی ساس و الیزابت برونه (Sass and Elizabeth Brunner) در شهر ناینیتال (Nainital) برخورد. او چند نقاشی را خرید. او پس از بازگشت به آزاد نامه ای نوشت و توصیه کرد که دولت هشت تا از نقاشی های آنان را به قیمت پانزده هزار روپیه (چنانکه نقاشان گفته بودند) خریداری کند. وقتی این امر به کارشناسان ابلاغ شد، آنان احساس کردند که قیمت خیلی بالا بود.

نامه ها و یادداشت هایی رد و بدل شد اما کارشناسان قیمتی را که نقاشان مطالبه کرده بودند، نپذیرفتند. این امر نهر و را مجبور کرد بگوید که اگر دولت نمی تواند برای نقاشی های مذکور پرداخت کند او خودش قیمت آنها را پرداخت خواهد کرد. در روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸م. آزاد بی درنگ با این کلمات به موضوع پایان داد که: "امید است که صورتحساب برای نقاشی ها تصویب شود و قیمتی که مطالبه شده به نقاشان پرداخت شود."

همانند نامش مولانا ابوالکلام، استاد سخن و سخنرانی خوش قریحه بود. نخست وزیر ایندیرا گاندی بیاد می آورد که هرگاه آزاد در آنند بهاوان (Anand Bhawan) اقامت می کرد، میز صبحانه شلوغ می شد، خیلی ها حتی ایستاده صبحانه می خوردند تا سخنانش را بشنوند. آزاد استعداد شگفت انگیزی در به طور خلاصه و موجز بیان کردن حکایت ها در یک یا دو جمله داشت که تأثیر زیاد داشت.

آزاد به طور قابل تحسین به هند خدمت کرد و در خود صفات مبارز آزادی اندیشمند با صلاحیت فوق العاده و سازنده ملت را جمع کرد. نهر و به حق او را "میر کاروان، یک آدم شریف و شجاع و دلیر، یک ماحصل ظریف فرهنگ که در این ایام کمتر دیده می شود، خوانده بود."

در روز پانزدهم اوت ۱۹۴۷م. [روز استقلال هند] پنج رهبر تراز اول هند عبارت بودند از: مهاتما گاندی، جواهر لعل نهر و، سردار والاب بهائی پاتل، مولانا آزاد و راجندر پراساد. گاندی در روز سی ام ژانویه ۱۹۴۸م. [چهار ماه و نیم بعد از استقلال هند] ترور شد. سردار پاتل

شکست ناپذیر که در انسجام و ثبات ملت-کشور هند نقش مهمی داشت در روز ۱۵ دسامبر ۱۹۵۰ درگذشت. گروه سه نفره نهری، آزاد و پراساد برای جهت دادن و هدایت کردن کشور باقی ماندند. آنها با هم برای متحد نگه داشتن هند کار و فعالیت کردند.

این رهبران عمیقاً آگاه بودند که هند فقط به عنوان یک کشور سیکولار می تواند یکپارچه بماند. نهری، به ویژه، مرتب این ارزش‌های سیکولار را مورد تأکید قرار می داد و رئیس الوزراهای متعدد او را همراهی می کردند. سالها پس از درگذشت این شخصیت‌های شجاع و ثابت عزم میراث حفظ صلح و هماهنگی بین هندوها و مسلمانان مهمترین کار و وظیفه قضات دادگاه بخش و رؤسای پلیس در بخش‌های مربوطشان باقی ماند. من به عنوان قاضی دادگاه بخش در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به خاطر دارم که ما هرگاه که ویروس فرقه‌ای می خواست سر زشت خود را بلند کند برای سرکوب آن سریعاً اقدام می کردیم. در بازنگری احساس می کنم که اگر در سال‌های آغازین ملت-کشور جدید هند به سیکولاریسم به روشی که انجام گرفت، تأکید نمی شد ما نمی توانستیم یک مردم سالاری آزاد یا یک ملت متحد قوی را حفظ کنیم.

آزاد، سیاستمدار دانشمند عصر ما کسی بود که "برای او هند اتحاد بود و مردمانش، با وجود هر گونه اختلاف ممکن در بین‌شان، هندی بودند..."

زندگی، عقیده و نگرش‌های آزاد یادآور بادوام و ماندگار این امر است که چگونه یک فرد می تواند فراتر از منافع منطقه‌ای و روابط فرقه‌ای به مدنیّت روشنفکرانه برود. مولانا آزاد نماد و مظهر این است که چگونه تمایلات برتر ناسیونالیسم می تواند بر وابستگی‌های غالباً ناسالم و استثنایی که ما نسبت به مناطق مان و تعصبات موروثی مان داریم، غلبه کند. هند می تواند بزرگی و عظمت خود را از طریق توانایی اقتصادی خود، ثبات سیاسی خود و دستاوردهای اجتماعی خود به اثبات رساند.

با این همه فقط وقتی که هندی‌ها یاد بگیرند که فراسوی فرقه گرایی بنگرند و پیشرفت جامعه و گروهی را وابسته به آن یکپارچگی که عبارت "هند مادر" به آن اشاره می کند، بدانند، هند کمال سرنوشت خود را تحقق خواهد بخشید.

دیدگاه منسجم همان بود که مولانا آزاد در ایده‌ها و ایده‌آل‌های مهاتما گاندی و نهضت استقلال-ایده‌ها و ایده‌آل‌هایی که به این کشور ده‌ها سال است که به خوبی خدمت کرده‌اند-درک کرده بود. بهترین تجلیل که ما می توانیم از این مرد ایده و عمل به عمل آوریم، اندیشیدن راه‌هایی است که نگرش او را توسعه دهد و هند را تقویت کند. چون ایده‌ها و ایده‌آل‌ها نیز نیاز دارند که هر از گاهی یادآوری شوند و از نو منسجم گردند.

♦ تلخیص سخنرانی یادبود مولانا آزاد، ایراد شده توسط استاندار سیکم (Sikkim) بالمیکی پراساد سینگ که محقق برجسته فیلسوف و مامور دولت است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، آوریل ۲۰۱۲ م.

بناهای تاریخی

قسمت سوم

متن: هیمانشو پرابها رای (Himanshu Prabha Ray)

عکس ها: امیت پاسریچا (Amit Pasricha)

ویراستار: ورشا داس (Varsha Das)

معماری هندو اسلامی نشانگر محله های بازرگانی و نمادهای قدرت استعماری

انما یعمر مسجدا لله من ءامن بالله واليوم الآخر و اقام الصلوة و ءاتی الزکوة ...

تنها آن کس مساجد خداوند را آباد می تواند کرد که به خداوند و روز واپسین ایمان آورده و نماز را برپا داشته و زکات پرداخته...

(آیه ای از قرآن مجید حک شده بر روی مسجد قرن چهاردهم م. در گلبرگه در کرناتک، هند جنوبی)

یافت. حضور مسجد عبادی بود که در آن منبر رسمی نصب گردید و آن شهر را از روستا متمایز می ساخت. این مسجد هم مکان عبادت بود و هم مکانی که در آن هر روز جمعه خطبه خوانده می شد و فرمانروایان از عواقب سیاسی این امر بی خبر نبودند. مرجعیت مذهبی اکنون فراسوی مرزهای سیاسی رفته و در مکه واقع در عربستان سعودی، جهتی که به سوی آن تمام نمازها خوانده می شد، قرار گرفته بود.

این امر به ندرت درک می شود که بناهای اولیه ی هند و اسلامی در هند به قرن هشتم میلادی تعلق دارند و آنها را جوامع بازرگانی که در سواحل هند سکونت گزیده بودند، بنا کرده بودند. شاید نخستین مسجد در

در اوائل اسلام مسجد به عنوان مرکزی برای تعلیم و بالاتر از همه برای آموختن متون مقدس و نوشته های مذهبی ظهور می کند. به تدریج در جنب مساجد خانه هایی احداث شد تا طلاب نقاط دیگر در آن سکونت داشته باشند.

اگرچه مدرسه های واقعی از قرن دهم-یازدهم میلادی شروع به شکل گرفتن نمود و برای مدت مدید بین مسجد و مدرسه تداخل زیادی وجود داشت و حتی پس از ظهور مدرسه مساجد به منظور اهداف آموزشی مورد استفاده قرار می گرفته اند. با توسعه ی اسلام هم از طریق فعالیت های تجاری و هم از راه فتوحات مساجد عبادی در زندگی مردم عامه مرکزیت



سقف مسجد جامع در کهامبات (Khambat) یا کامبی (Kambay) بنا شده در ۱۳۲۵ م. (با تشکر از مؤسسه آمریکائی مطالعات هند)

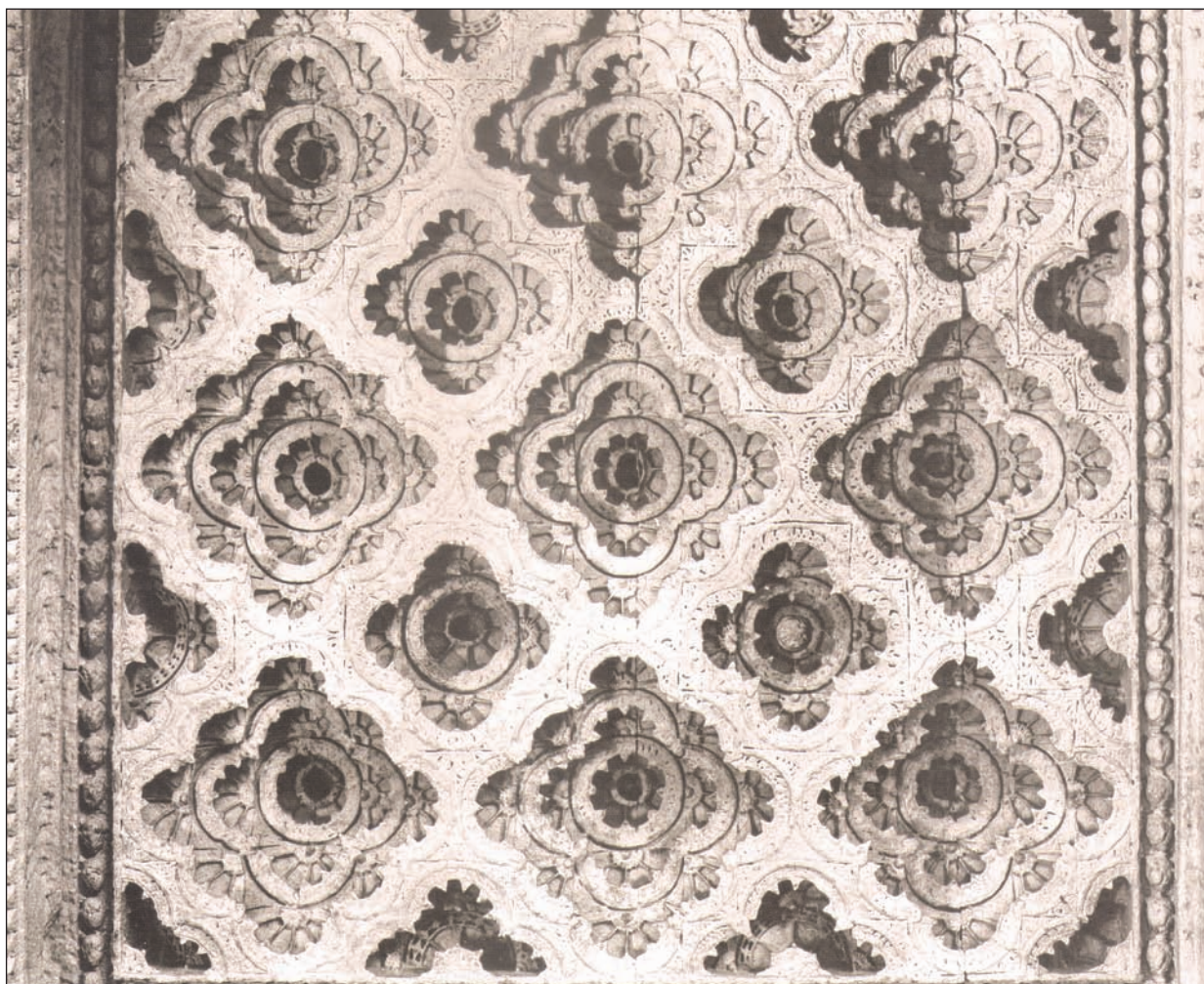
شهر بندری بانپهور (Banbhore) واقع در سند که اکنون در پاکستان است، قرار دارد. بانپهور واقع در ساحل مکران را با بندر دیبل (Daybul) که در قرن پنجم میلادی به پادشاه ساسانی بهرام پنجم (بهرام گور) به عنوان جہیزیه داده شده بود، یکی دانسته‌اند.

حفریات باستان شناختی در محل یک شهر محصور را که در عهد اولیه‌ی اسلامی ۱۶۷ هکتار را محصور کرده بود و دارای یک ناحیه مسکونی و تجاری درونی و یک بخش صنعتی در بیرون استحکامات بود، آشکار کرد. مرکز این بندر یکی از قدیمی‌ترین مسجد در منطقه بود با دو کتیبه‌ی کوفی ۷۲۷ و ۹۰۷ میلادی.

نخستین نشانه‌های این شبکه‌های کشتیرانی در سرتاسر اقیانوس هند غربی به هزاره‌ی سوم قبل از میلاد بر می‌گردد، اگرچه با آغاز عصر میلادی این شبکه‌ها به دیگر نقاط اقیانوس هند گسترش یافته بود. اشاراتی به بازرگانان مسلمان مشغول در تجارت راه دور در متنی نوشته شده در عمان راجع به خلیج فارس تالیف الزاحل (Al-Rahil) در قرن نهم میلادی، یافته می‌شود. این اشارات به فرهیخته‌ای به نام ابوالقاسم، یک شیخ اسماعیلی اشاره می‌کنند که در تجارت چوب صبر زرد با چین مشغول بود. تاجر دوم "میمون" در بصره زندگی می‌کرد و با دو امام اسماعیلی خویشاوندی داشت. رویدادی مهم در قرن دهم میلادی ایجاد یک شبکه‌ی وسیع تجاری اسماعیلی بود که به ویژه در

زمان حکومت فاطمیان به رشد و تکامل رسید. جوامع اسماعیلی در حواشی جغرافیایی جهان اسلام مانند یمن، بحرین، سند و گجرات ظهور کردند. مسلمانان دریانورد از قرن یازدهم تا پانزدهم میلادی در هند غربی وجهه کسب کردند. همچنین مهم است که این جوامع ساحلی از نظر سیاسی و فرهنگی از سلطنت دهلی متمایز ماندند. شاهدی دال بر شور و شوق تجارت هند غربی از جهانگرد مسلمان و معروف افریقای شمالی ابن بطوطه موجود است. او در اواسط قرن چهاردهم میلادی به چندین بندر هند غربی سفر کرد و اهمیت جزیره‌ها (محصور یا ناحیه‌های)ی مسلمانان به ویژه در کامبی (Cambay) در گجرات و در کالیکات (Calicut) در ساحل کرالا را مورد تأیید و تصدیق قرار داد. همچنین

نوکیشان مسلمان محلی به ویژه مایپلاهای شافعی منطقه‌ی مالابار تقریباً در کرالای امروزی بودند. در قرن دوازدهم میلادی یک جامعه‌ی مسلمان ساحلی در بهادریشوار (Bhadreswar) در گجرات واقع در هند غربی ساکن شد و دو مسجد، دو مقبره و یک چاه پلکانی بنا کردند. گمان می‌رود که این ساکنان اگرچه از سرزمین‌های غربی اسلامی آفریقای شمالی، مصر و یا یمن مهاجرت کرده باشند و شاید بازرگان بودند و خانواده‌ی آنان در تجارت پروونق اقیانوس هند مشغول بودند. در حال حاضر بهادریشوار یک روستای کوچک است اما یک بندر مهم محصور یک دولت-شهر مستقل بود که به وسیله‌ی یک شورای بازرگانان جینی تحت حمایت فرمانروایان چالوکیه‌ی گجرات اداره می‌شد.



سقف مسجد در وانتھالی (Vanthali)، جوناگره (Junagadh) گجرات متعلق به ۱۱۱۰-۱۱۹۹ م. (با تشکر از موسسه آمریکائی مطالعات هند)



مسجد قلعه کهنه در پرا نا قلعه [قلعه قدیم] ، دهلی که آن را شیر شاه سوری، فرمانروای افغان در سال ۱۵۴۱م. پس از شکست دادن همایون شاه و فرار دادن او به ایران بنا کرد. این مسجد در تحول و توسعه معماری مغولی مقام مهمی دارد چون از سبکهای لودیها (۱۵۱۷-۱۶۲۴م) تکامل یافت.

از میراث جهانی است بلکه از دیدگاه این بخش هم مهم است چون بر خلاف بناهای تاریخی هند جنوبی مثال‌های هند شمالی نه تنها این که از غنائم معابد بی حرمتی شده‌ی هندوان و جینی‌ها استفاده کرده‌اند بلکه این امر را در کتیبه‌های بنا با صراحت بیان کرده‌اند. این امر در مورد یکی دیگر از بناهای تاریخی اولیه در شهر اجمیر در ایالت راجستان صدق می‌کند. نام

سرباز ستون دار با دیواره‌های عظیم در یک سر و به عنوان نشان دهنده‌های تاثیر متقابل بین برنامه‌های معماری لشکرهای فاتح سلاطین مملوک و سلسله پادشاهی منطقه‌ای چهامناها (Cahamanas) یا چوهان‌ها (Cauhans) که در قرن دوازدهم میلادی بر دهلی حکومت داشتند. مورخ هنری میکائل میستر (Michael Meister) در مقاله ای که در



اوگراسن-کی-باؤلی (آب انبار با پلکان و مسجد)، دهلی ۱۳۰۰-۱۳۹۹م. (با تشکر از موسسه آمریکائی مطالعات هند)

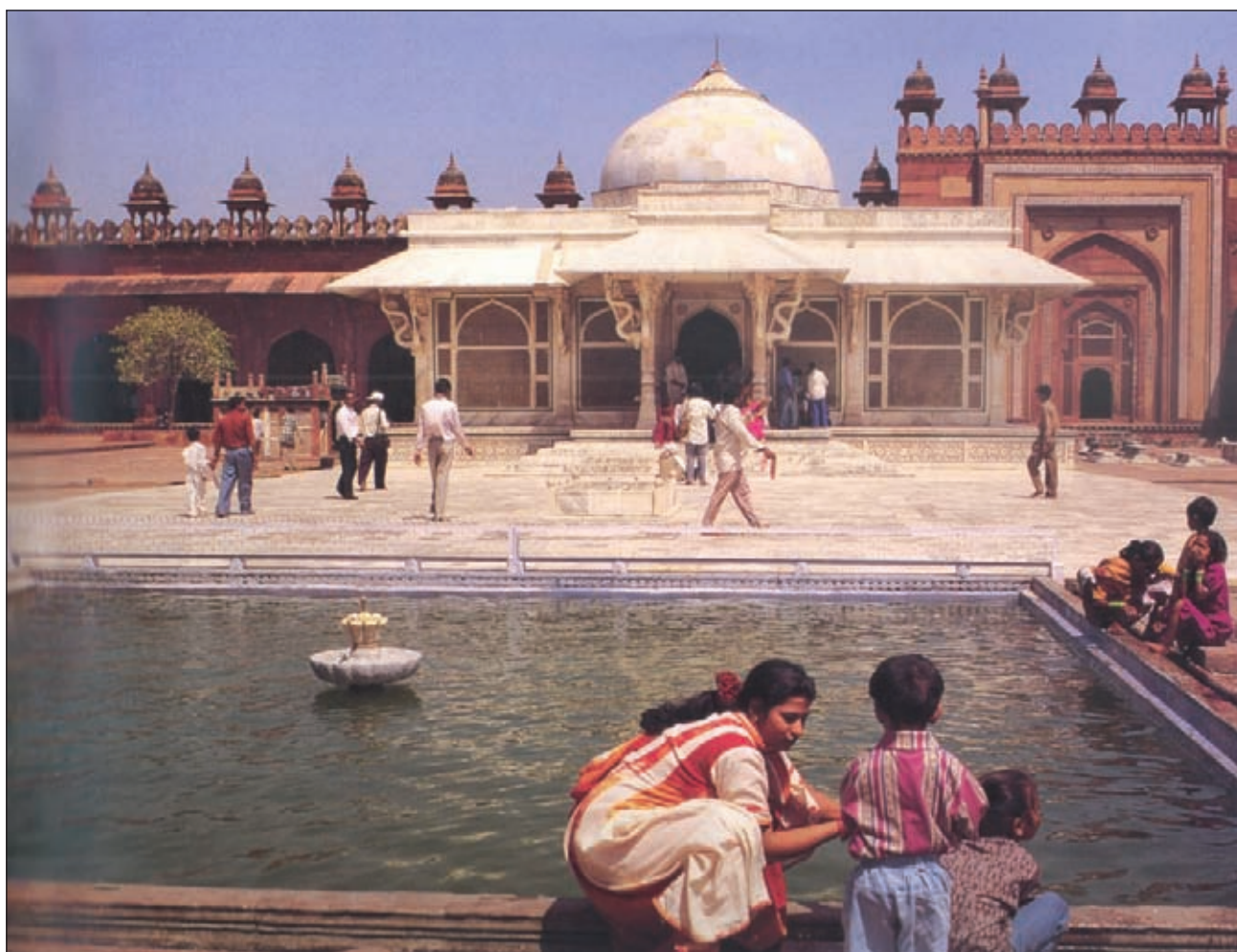
این بنا "ارهای‌دن کا جهونپرا" (Adhai din ka Jhonpra) یعنی مسجد دو و نیم روزه است، این مسجد اجمیر دومین بنای تاریخی است که سلاطین مملوک ساختند و نخستین این بناها مسجد قوه الاسلام در دهلی است. هر دو مسجد مشتمل است بر تالارهای

"Oriental Art" (جلد پنجم، ۱۹۷۲م.) چاپ شد، تاثیر معماری یک قدرت ضعیف فرهنگی بر یک قدرت قوی فرهنگی را پیدا می‌کند و استدلال می‌کند که این دو مسجد، اگرچه بین این دو فرقه‌ای وجود دارد، نمونه‌های این اختلاط فرهنگی هستند. او با اشاره

به وجود آید.

این تحت سرپرستی پادشاهان مغول [تیموری یا گورکانی] (۱۵۲۶-۱۷۰۷ م.) بود که اغلب ابتکاری ترین معماری‌های قرون وسطایی در هند به وجود آمد. در عربی و فارسی اصطلاح مغول به معنی منگول‌ها (The Mongols) و به اندازه‌ی کافی فرمانروایان

به مسجدی که در اجمیر هست بحث می‌کند که این اختلاط را می‌توان از طریق چندین واحد تشکیل دهنده تجزیه و تحلیل نمود. اول این که این مواد به غنیمت گرفته شده دوباره مورد استفاده قرار گرفت چنانکه در ستون‌ها دیده می‌شود، دوم این که این مواد عاریه گرفته شده را اصلاح کردند چنانکه در مورد سقف‌ها در اجمیر و سوم این که تصورات و مفاهیم قبلی را تغییر



مقبره شیخ سلیم چشتی (۱۵۷۱-۱۵۸۰ م.) در فتحپور سیکری، آگره

اولیه‌ی این سلسله را به صراحت بیان می‌کند. برای مثال، مؤسس این سلسله، بابر از اخلاف چنگیزخان بود از جانب مادرش و از اخلاف تیمور از طرف پدرش. او دوران خود را با فرمانروایی امیر نشین کوچک تیموری در فرغانه در آسیای مرکزی آغاز کرد و به

دادند تا متناسب با نیازهای جدید فضا و زیباشناسی باشد. لازم است تاکید شود که اشکال جدید معماری را بیشتر نیروی کار محلی هنرمندان هندو به دستور سرپرستان اسلامی ایجاد کرد و این تلفیق سبب شد که بناهایی با ارتفاع و فضا اما بدون سنگینی مربوط

تدریج سلطه‌ی خود را تا داخل هند شمالی گسترش داد. منطق با ریشه‌های امپراتورها معماری هندو اسلامی با بهره‌برداری از یک سلسله عناصر ناهمگن و مختلف از سبک‌های هندی، ایرانی، تیموری و اروپائی یک آمیزه‌ی فوق العاده را ایجاد کرد و این در سرزمین هند بود که مفاهیم تیموری قرینه‌ی کامل بارور شد نه در ایران عهد صفوی (۱۴۹۹-۱۷۳۶ میلادی) که در آن جا اسلام تشیع به عنوان یک مذهب رسمی مملکت تثبیت شد.



شاید اکبر مهمترین پادشاه سلسله‌ی مغولی بود و حکومت خود را عملاً بر تمام شبه قاره تحکیم و تثبیت نمود. عهد او از نظر فضل و دانش دوستی و ترجمه‌های متون زیاد سانسکریت به فارسی و همچنین مذاکرات و مباحثات مابین مذاهب مختلف شبه قاره برجسته و ممتاز بود. نوه اکبر شاهجهان به امپراتوری ثبات و رونق و رفاه بخشید و همچنین یک برنامه‌ی قوی برای ساختن بناها را پیاده کرد. نزدیک پایان حکومت اورنگزیب در ۱۷۰۷م. امپراتوری مغولی قدرت و نیروی خود را از دست داده بود اگرچه مغول‌های بعدی اسماً تا جنگ استقلال علیه انگلیسی‌ها که به تدریج از آغاز قرن نوزدهم به بعد قدرت خود را گسترش می‌دادند، حکومت خود را ادامه دادند.

در عهد حکومت مغول‌ها معماری نمادی از قدرت و اقتدار امپراتوری شده بود و طبق اندیشه‌ی سیاسی مغول‌ها یک فرمانروا به وسیله‌ی بناهایش بهتر شناخته می‌شد. قندهاری، مورخ اکبرشاه می‌نویسد: "نام نیک برای پادشاهان از بناهای رفیع [بدست آمده] است... به عبارت دیگر، معیار سنجه‌ی انسان‌ها از طریق ارزش بناها [ی آنها] اندازه گیری می‌شود و از بزرگ منشی آنان وضع خانه‌شان تخمین زده می‌شود." این جنبه‌ی معماری مغولی در تاریخ‌های امپراتوری‌های مختلفی که مستمراً سرپرستی مسئولانه و قضاوت آگاهانه‌ی

امپراتور در تعیین بنا و زیباشناسی یک بنا را مورد تاکید قرار می‌دهند، به شدت نشان داده شده است.

بابر در خاطراتش به عنوان بنیان گذار باغ‌ها مورد تحسین قرار گرفته است اما تعداد کمی از آنها باقی مانده است. همین طور است بقایای کمی از بناهای کاخی همایون شاه که مورخان او به تفصیل به آن پرداخته‌اند و این در عهد حکومت جانشین او اکبر شاه است که معماری مغولی ویژگی ممتاز خود را کسب کرد. ماسه سنگ سرخ با رعایت کردن رنگ مخصوص خیمه‌های سلطنتی، مصالح ساختمانی مطلوب و مورد علاقه گردیده بود و یک سلسله بناها مانند مقبره‌ها، بناهای کاخی، خانه‌های سرایداری، اصطبل‌ها، حمام‌ها، کاروانسراها و مساجد کوچکتر گواه بر آنست.

از اوایل دهه‌ی ۱۵۷۰ م. اماکن عمومی اهمیت خاصی پیدا کردند و پل منعم خان در جونپور (Jaunpur) شاهکار مهندسی است که در سال ۱۵۶۹ م. ساخته شد در حالی که در فتحپور سیکری (در حدود ۱۵۷۱-۱۵۸۵ م.)، اقامتگاه محصور حومه‌ای دربار، بزرگترین تجمع حمام‌ها از یک عهد باقی مانده است. حمام‌های مغولی از یک اتاقه تا دسته‌ای از اتاق‌های بهم مربوط مختلف بود و شامل واحدهای کاربردی مانند رختکن، اتاق سرد و اتاق گرم بود.

در کتاب Mughal Architecture (چاپخانه دانشگاه اکسفورد، دهلی نو، ۲۰۰۲ م.) ایبا کوچ (Ebba Koch) به دوران حکومت اکبر شاه به عنوان یکی از ادوار تلفیق و تالیف عقاید مختلف اشاره می‌کند و به دنبال آن در عهد حکومت جهانگیر شاه یک عهد بازتاب و آزمایش بود. از مشخصات این دوره سطوح مختلف بسیار تزئین یافته‌ی عمارت‌ها با انواع طرح‌های تزئینی از جمله نقاشی‌های دیواری برگرفته از نقوش اروپایی است. بعد از مقبره همایون در دهلی آرامگاه انارکلی (Anarkali)، محبوب امپراتور جهانگیر، در

لاهور است که نمونه‌ی برجسته‌ی یک ساختمان هشت ضلعی را عرضه می‌کند. این مقبره که در سال ۱۶۱۵ م. ساخته شد در سال ۱۸۵۱ م. به کلیسا تبدیل شده بود و بعداً در آن اداره بایگانی پنجاب جای گرفت.

پروژه‌های ساختمانی جهانگیر شامل کاخ‌ها و باغ‌ها بود اگرچه فرزندش شاهجهان بسیاری از آنها را تغییر داد و مثال خوب آن در لاهور است. او کشمیر را به عنوان اقامتگاه تابستانی دربار توسعه داد و چندین باغ جدید را بنا نهاد. باغ‌های کشمیر برای استفاده‌ی کامل از زمین موحی شکل احداث شد در حالی که نه‌ری تغذیه شده از چشمه آب محور اصلی را تشکیل می‌داد و سازه‌های دیگر شامل تراس‌ها، حوضچه‌ها، کلاه‌فرنگی‌ها، و سکو‌ها بود. تنها منطقه‌ی کشمیر نبود که از علاقه‌ی امپراتور به باغ‌ها بهره‌مند شود چون در این زمان حداقل یازده باغ در آگره (Agra) احداث شده است. کارهای ساختمانی دولتی جهانگیرشاه شامل نصب مناره‌های کوس یا سنگ میل (مسافت‌نما) در طول جاده از آگره تا لاهور و همچنین ساختن کاروانسراها برای مسافران بود.

با جلوس شاهجهان بر تخت سلطنت معماری مغولی وارد مرحله‌ای کلاسیکی شد همراه با زیباشناسی جدید که منعکس کننده‌ی گرایش سنتی امپراتور به سوی مذهب بود. پروژه‌های معماری طی حکومت او در آرامگاه همسر امپراتور، ممتاز محل در آگره [تاج محل] به اوج خود رسید. ویژگی‌های جدید قابل توجه مناره‌های متعدد بودند که شاید الهام گرفته از نمونه‌های عثمانی بود. پس جای شگفت نیست که منابع معاصر جزئیات شگفتی‌های معماری عهد مغول شاهجهان را فراهم می‌کنند.

جنبه‌ی جالب دیگر معماری هندو اسلامی برگزیدن آن توسط بسیاری از خانواده‌های فرمانروا که وفادار به مغول‌ها هستند و ترویج آن در سرتاسر هند شمال در

سطح وسیع می باشد. راجا مان سینگ رئیس خانواده راجپوت کاجهواها (Kachhwaha)، نخستین خانواده امیرنشین راجستان، یک حامی و مشوق فوق العاده معماری بود. راجا مان سینگ بعد از جلوس بر تخت حکومت نخستین کار بزرگش بنا کردن معبد گووینددیوا در برینداوان (Brindavan) در سال ۱۵۹۰م. بود که از قرن سیزدهم میلادی به بعد یکی از بزرگترین معبدهاست که در شمال هند ساخته شد و بین چهار معبدی که در عهد اکبر و جهانگیر ساخته شدند بزرگترین می باشد.

ساخت بیرونی معبد از سنگ ماسه‌ای تراش زده، نبود عناصر مجسمه‌ای و تاقچه‌های دیوار کوب و ستون‌ها نشانگر گزارش‌های عمومی در معماری معاصر مغولی است. کاترین آشر (Catherine Asher) در مقاله‌ای که در کتاب The Powers of Art (چاپخانه دانشگاه آکسفورد، دهلی نو، ۱۹۹۲م.) انتشار یافت معبدهایی را که راجامان سینگ در امبر (Amber) و مراکز دیگر راجستان و همچنین آنهایی که در نزدیکی پتنه در بیهار بنا کرد، به عنوان تصاویر بدیع زیبا شناسی ملوکانه‌ی مغولی توصیف کرده است. اینها و عمارت‌های دیگری که راجامان سینگ هزینه‌ی مالی آن را تقبل کرده سبب ایجاد یک زیبا شناسی یکنواخت در سرتاسر هند شمالی بود.

۴

بحث راجع به معماری هندو اسلامی بدون اشاره به زیارتگاه‌های صوفیان در هند ناتمام می ماند. از سلسله‌های مختلف صوفیان سلسله‌های چشتیه، نقشبندیه، قادریه و سهروردیه در هند پیروان فراوانی دارند و از میان اینها اثر و نفوذ سلسله چشتیه برجسته‌ترین است. خواجه معین الدین چشتی، یکی از مریدان خواجه ابو ابدال چشتی این سلسله را در هند معرفی کرد، او در سال ۱۱۴۲م. در افغانستان چشم به جهان گشود و در سال

۱۱۹۲م. با لشکریان شهاب الدین غوری به هند آمد و اجمیر را برای اقامت و سکونت خود برگزید. آستانه‌ی او بیشتر با حمایت فرمانروایان مسلمان به محل زیارتگاه مبدل شد. یک مرکز بزرگ زیارتگاهی دیگر آستان محبوب‌ترین صوفی هند حضرت نظام الدین اولیا در دهلی است. نظام الدین اولیا یک صوفی مسلمان قرن چهاردهم میلادی بود که به مریدان خود وعده داده بود که اگر آنها روابط خود با جهان را کاهش دهند می‌توانند به سوی تجربه‌ی مستقیم خدا حرکت کنند. حضرت نظام الدین اولیا در سال ۱۳۳۵ میلادی رحلت نمود اما مقبره اصلی او باقی نمانده است و در سال ۶۳-۱۵۶۲م. اشراف زاده‌ای بنای موجود فعلی را ساخت که بعدها توسط افراد مختلف مرمت شد و بر آن افزوده شد. سالی دو بار جشنواره‌ای [عرس] در سالروزهای درگذشت نظام الدین اولیا و امیر خسرو [دهلوی] مرید اصلی پیر موصوف، بر پا می‌شود.

از همان آغاز تصوف شعر و موسیقی و سماع و مراقبه عناصر مهم در اتصال و اتحاد با خدا - بهشت حقیقی، بوده‌اند. موسیقی به طور ویژه یک نقش مهمی داشت و معتقدان را قادر می‌ساخت به خدا تمرکز کنند و یک حالت وجد و سرمستی مقدس را بدست آورند. صوفیان در افغانستان و به ویژه در هرات که به عنوان مرکز معروف نقاشی مینیاتوری ظهور کرد و در پنجاب غربی که اکنون در پاکستان قرار دارد، و همچنین در سلطان نشین‌های منطقه‌ای در هند مانند جونپور، گجرات، بنگال و دکن که جنبه‌هایی از سنت‌های قدیمتر هند در معماری جدید به طور موثر گنجانده شده نقش مهمی داشتند. آستان‌های عرفا و صوفیان هنوز هم پیروانش را نه فقط از اسلام و مسلمانان بلکه از مذاهب دیگر هم جلب می‌کنند و هنوز هم به عنوان نمادهای برجسته‌ی سنت‌های مذهبی مختلف نامتناجس شبه قاره پا برجا هستند.

آوازهٔ زبان و ادبیات فارسی در هندوستان

دکتر فرزانه اعظم لطفی

استادیار و عضو هیئت علمی

دانشکده زبانها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران

از بس سخن سرائی ز ایران به هند رفت
دهلی و آگره گشت ری و اصفهان هند

چکیده:

ایران و هندوستان تا آنجا که به گذشته‌های تاریخی و فرهنگی آنها برمی‌گردد دست کم حدود سه هزار سال روابط مبتنی بر حسن همجواری و دوستی داشته‌اند و آغاز آن به هزارهٔ دوم قبل از میلاد مسیح می‌رسد یعنی زمانی که اقوام آریایی با هم می‌زیستند و دارای فرهنگ مشترکی بودند. جهات متفاوت این پیوند دیرینه با ورود اسلام از طریق ایرانیان و به وسیلهٔ زبان فارسی دو چندان شد. کشور هندوستان در میان کشورهایی چون افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، بنگلادش، ازبکستان، ارمنستان، آذربایجان وضعی خاص دارد چرا که زبان فارسی قریب به هزار سال زبان دین و زبان رایج در دادگاهها و دربارهای این سرزمین بوده است. مقاله حاضر که به بررسی آوازهٔ شهرت زبان و ادبیات فارسی در هند می‌پردازد، کوشیده است که از برخی از زوایای ناشناختهٔ گسترش زبان فارسی نه تنها در بین مسلمانان بلکه در میان غیر مسلمانان هند نیز پرده برگیرد و پیوندهای همه جانبهٔ ایرانیها و هندیها را باز نماید تا از این طریق نشان داده شود که این زبان سرمایهٔ مشترک ادبی و فرهنگی و عامل نزدیکی و یگانگی و وسیلهٔ تفاهم و آشنایی دو ملت ایران و هند است.

واژگان کلیدی: ایران، هند، زبان فارسی، هندوان، سبک هندی و صائب، نثر فارسی، اصفهان، هند، شیراز، هند.

مقدمه:

با آغاز حکوت امیر ناصر الدین سبکتگین و سلطنت امیر محمد غزنوی همراه با دین اسلام زبان فارسی به سرزمین هند وارد شد. فرهنگ ایران و زبان فارسی آنچنان در سرزمین هند جای باز کرد که حتی شیوهٔ حکومتی که بر پایهٔ چهار عنصر یعنی: شاعران، حکیمان، دبیران، ستاره شناسان بود به عنوان قوام حکومتی سلطنت هندیان مقبول گشت.

همزمان با سلطنت شاهان صفوی در ایران و گورکانیان در شمال هند زبان فارسی زبان دربار و مراسلات رسمی و اداری هند قلمداد می‌شود و بوستان و گلستان سعدی در دربار با عشق خوانده می‌شود و نوروز با جلال و شکوه هرچه تمامتر برگزار می‌شود. شدت احساس عشق و دین به زبان فارسی در هند آنچنان افزون می‌گردد که زمانی که شاهان صفوی در کاخهای اصفهان و قزوین به زبان ترکی سخن می‌گفتند و بر این زبان افتخار می‌کردند اما پادشاهان گورکانی در هند در قصرها و محل سراهای آگره و دهلی

و لاهور به زبان فارسی تکلم می‌نمودند و این شهرها را اصفهان هند ساخته بودند. از سرسلسله پادشاهان تیموری هند ظهیرالدین بابر تا شاهزاده دارا شکوه فرزند شاه جهان همگی نسبت به زبان سرزمین ایران "فارسی" علاقه خاصی داشتند.

نورالدین جهانگیر فرزند ارشد جلال الدین اکبر، با همسرش در قصر به زبان فارسی شعر می‌سرودند.

بلبل نیم که نعره کنم درد سر دهم پروانه‌ام که سوزم و دم برنیاورم

(جهانگیر)

پروانه نیستم که به یک شعله جان دهم شمعم که جمله سوزم و دم برنیاورم

(پاسخ نور جهان)

پادشاهان خاندان تیموری هند ایران را وطن خود و ایرانیان را همشهری و هم زبان خود می‌دانستند و از هوش و ذوق اینان لذت می‌بردند. بنابراین دهلی دربار بزرگتر می‌شد که باید آن را دربار ثانی ایران نامید بلکه دربار اصلی ایران. چه رواج فارسی و ادبیات و علوم در دربار دهلی زیاده‌تر از دربار اصفهان بوده است و ظاهراً در دربار اصفهان پادشاه و خاصان درگاه به زبان ترکی صحبت می‌فرموده‌اند، ولی در دربار دهلی شاه و دربار و حرم سرایان همه به فارسی گفتگو می‌کرده‌اند.... و کتبی که خود پادشاهان نوشته‌اند مانند یادداشتهای نورالدین جهانگیر (جهانگیرنامه) که همه به فارسی است اعتبار آن زبان را در هند مدلل می‌دارد. (بهار، ملک الشعراء، ج ۳، ص ۲۵۷)

در عهد جلال الدین اکبر زبان فارسی، زبان دولتی به شمار می‌رفت و مردم برای بدست آوردن مقام کارمندی دولت و برای تحصیل حقوق کافی، برای ترویج تجارت و بازرگانی خویش و بالاخره برای مطالعه و تحصیل فنون به یادگیری فارسی سخت محتاج بودند.

در عصر اکبر، فرهنگ بومی هند به فارسی برگردانده شد و همراه با مظاهر فرهنگ ایرانی در سراسر جهان پارسی گوی و شبه قاره هند گسترش یافت. توجه و علاقه اکبرشاه به زبان و ادبیات فارسی به جایی رسید که پادشاه و ملکه در گفتگوهای روزانه خود با شعر سخن می‌گفتند و گروهی از پادشاهان و شاهزادگان این دودمان از خود دیوانهای پرارزش شعر فارسی برجای گذاشتند و به فارسی کتابها نوشتند. به جرأت می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از تاریخ درخشان فرهنگ ایران چنین بذل و بخششی و به عبارت بهتر سرمایه‌گذاری عظیم فرهنگی به عمل نیامده بود. این بخشندگی ادبی و سرمایه‌گذاری فرهنگی را که بابر و همایون آغاز کردند، توسط اکبر به اوج خود رسید. (غروی، مهدی، ص ۸)

زمانی در هندوستان زبان فارسی در حکم گذرنامه امروزی ارزش داشت. همایون شاه زمانی که به زبان فارسی رباعی در مدح حضرت علی (ع) سرود، شاه طهماسب را خشنود ساخت و به همین خاطر باسرودن رباعی در وصف شاه مردان علی (ع) از کمک شاه ایران برخوردار گشت و شرط کرد پس از بازگشت به هند منابرین سرزمین را به اسماء ائمه مزین سازد و بدین طریق با شعر فارسی در قالب رباعی به مدت هشت ماه در ایران اقامت گزید.

دوران درخشان و پر عظمت شاهان گورکانی هند بر بنیاد زبان و ادب فارسی پایه‌گذاری شد. در همین زمان بود که در بین خانواده‌های تربیت شده دانستن زبان فارسی نشانهٔ تجدد و فرهنگ گردید و درباریان با زبان شعر فارسی با هم سخن می‌گفتند. (اصغر، آفتاب، ص ۸).

هرچه از دوره اعتلا و قدرت تیموریان یعنی اواخر عهد اورنگ زیب دور می‌شویم زبان فارسی و فرهنگ ایرانی رو به فتور و سستی می‌نهد و از عرصه دربارها و دیوانها ناپدید می‌گردد. اما تنها در زمان آخرین شاه گورکانی "بهادر شاه ظفر" متخلص به "ظفر" بود که فارسی دوباره در دربار اهمیت می‌یابد.

اما با تمام این تفصیل در دوره رکود فرهنگی هند یعنی زمان پادشاهی اورنگ زیب "زیب النساء بیگم" متخلص به "مخفی" دختر اورنگ زیب به سبک عراقی قصیده و غزل می‌سرود و یکی از بزرگترین شاعرهای فارسی زبان هند محسوب می‌شد.

نمونه‌ای از اشعار وی:

شمعیم و خوانده ایم خط سرنوشت خویش ما را برای سوز و گداز آفریده‌اند

بحث و بررسی:

زبان و ادبیات فارسی به همراه فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی نه تنها در بین مسلمانان بلکه در میان غیرمسلمانان نیز نفوذ یافته است.

ابوریحان بیرونی اولین هندشناس ایرانی هندوان را در کتاب "تحقیق ماللهند" خود قومی خودپسند معرفی می‌کند همان قوم و مذهبی که غیر از کتاب وید مقدس و زبان پاک و مطهر سانسکریت چیز دیگری را قبول نداشتند و غیر از مردم و سرزمین هند دیگران را "ملیکه" یا "ملیچه" (یعنی ناشایست) همان عبارتی که اعراب ما را به عنوان "عجم" (لال) خطاب می‌کردند.

آنچنان مسحور زبان و ادب فارسی شدند که به جای اقوال "شنکر" و "کیلا"، "تلسی داس" و "رامانج" تحقیقات ادبی خود را به اقوال و اشعار سعدی و حافظ و خیام و رومی زینت می‌دادند.

هندوان با انس و الفت با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به لقب "میرزا" و "میان" افتخار می‌کردند. طبقه "کایسته" و "سپروهای" کشمیری از پیشگامان تعلیم زبان فارسی بودند.

"سپرو" یعنی "سب پڑهو" همه بخوانید به آنانکه فارسی می‌آموختند "کارکن"، "رازدان" و "منشی" می‌گفتند. (سید عبدالله، ص ۳۸)

گورونانک از بزرگان و عالمان دین سیکهای هندوستان در اواخر سلطنت لودهیان نویسنده "آدی گرنته" محله اول (بخش اول) کتاب مقدس خود را با الفاظ فارسی مزین ساخته بود.

پیر پیکا مبر سالک صادق شهیدے اور شهید شیخ مشائخ قاضی ملا اور درویش شهید (همان، ص ۴۰)

راجا ٹوڈرمل وزیر دربار اکبر شاه به جای زبان هندی زبان فارسی را زبان درباری معرفی کرد. همچنین با نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی نقاشان دربار اکبر شاه همچون "دسونت"، "لال مکند"، "مادهو" و "مہشیں" را واداشت که به سبک هندی ایرانی به خلق اثر بپردازند.

نفوذ و عظمت زبان فارسی باعث تلفیق و دادو ستد نتهای موسیقی ایرانی-هندی شد. "خیال" توسط سلطان حسین شرقی به عنوان یکی از اجزاء نت موسیق مقرر گردید و "دهرید" جزء لاینفک موسیقی اسلامی در هند شد.

زبان فارسی نه تنها موسیقی هند را پرورش داد بلکه باعث گسترش هنر خوشنویسی در میان اهل هند نیز گشت.

اولین شاعر غیر مسلمان به زبان فارسی "میرزا منوهر توسنی" در باب توحید و توصیف ایزد منان به شعر فارسی می‌پردازد.

شیخ مستغنی بدین و برهمن مغرور کفر مست حسن دوست را با کفر و ایمان کار نیست
 بی عشق تو در جگر لبالب نار است بی درد تو در سرم سراسر خار است
 بتخانه و کعبه هر دو نزد کفر است ما را به یگانگی، ایزد کار است
 از اثر یـک نگه اوست مست هم بت و هم بتکده و هم بت پرست

زبان فارسی در میان برهمنانی همچون "سوامی بهوپت رائے بیراگی" چنان نفوذ کرد که وی را به سرودن اشعار فارسی با عنوان "وحدت انسان در برابر ذات حق" واداشت. طبقه برهمنان هند در اصل جز بالاترین طبقه جامعه هند محسوب می‌شوند اما روح وحدت انسانی ایرانی و اسلامی در ذات ادبیات زبان فارسی پیام‌آور وحدت انسانی در میان این قشر از جامعه هندوستان گشت.

"بیراگی، از شخصیتی به نام شنکر آچاریه" یکی از عالمان هندوان این گونه سخن می‌گوید:

"روزی شنکر آچاریه مشغول استحمام در کنار رودخانه‌ای بود. "بهنگی" شخصی از طبقه نجس و پست جامعه اهل هند لباسهای خود را در کنار لباسهای شنکر آچاریه قرار می‌دهد. این عمل باعث عصبانیت این عالم برهمن می‌شود. چنانکه با عصبانیت و به سرعت تمام البسه خود را در آب به قصد تطهیر در رودخانه می‌شوید. و خاکروب نیز همزمان لباسهایش را در رودخانه فرو می‌برد. این بار عالم بیشتر عصبانی می‌شود اما گویا کار از کار گذشته بود و لباسهای هردو در آب رودخانه تطهیر شدند آب رودخانه بدون طبقه بندی شخصیتی لباس هردو را همزمان تطهیر می‌سازد.

بیراگی که خود از طبقه برهمن است به وسیله زبان فارسی از زبان خاکروب می‌گوید:

کافر و مومن فرنگی و یهود ارمنی و گبر و ترسا و جهود
 جلوه‌های ذات من هست ای جوان غیر ذاتم کیست را کون و مکان
 گر ببیند چشم صوفی سوی غیر بازماند مرکب صوفی ز سیر

پاکی تن نیست مقبول خدا پاکی دل هست پیش حق روا

و از قول عالم هندو شنکر آچاریه می‌گوید:

خویشتن را این زمان بشناختم سر به اوج معرفت افراختم
 بیش از این چشم خُرد بُد موج بین بحر بین شد این زمان چشم از یقین

اینگونه زبان فارسی پیام وحدت انسانی را در میان قوم هندو که یکدیگر را با دید فرادستی و فرودستی می‌دیدند و خطاب می‌کردند تعلیم می‌دهد.

در سال ۱۸۲۶ میلادی "راجا رام موپن رائے" روشنفکر برجسته اهل کلکته برای ترویج و اشاعه فرهنگ هند در برابر مخالفت حکومت استعماری انگلیس در نخستین هفته‌نامه فارسی به نام "مراه الاخبار" برای به چالش کشیدن حکومت وقت استعماری از اشعار حافظ استفاده می‌کند.

سحر زهاتف غییم رسید مژده به گوش که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

شد آنکه اهل نظر بر کناره می رفتند هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش

وی در نگارشات اعتراض آمیز خود با اقتباس و تأثیر شعر فارسی حافظ می نویسد:

ترجیح می دهم خاموشی اختیار کنم

و در جایی دیگر در همین هفته نامه فارسی می نویسد:

رموز مصلحت مُلک خسروان دانند گدای گوشه نشینی تو حافظا مخروش

(آهن، اخلاق، ص ۵۸)

قابل ذکر است که نخستین روزنامه های فارسی زبان هند در کلکته انتشار یافت.

اولین هفته نامه همراه الاخبار، به مدیریت راجا رام موهن رائے

جام جهان نما به مدیریت سُداشک

هفته نامه "سراج الاخبار" که در سال ۱۸۴۱ میلادی از طرف دربار بهادرشاه ظفر آخرین پادشاه گورکانی به صورت دست نوشته انتشار یافت. (مجله دانش، ش ۸، ص ۱۴)

پس از برپائی کمپانی هند شرقی در دهه ۱۷۶۰ ایرانیان در منطقه "اوده" (شیراز هندوستان) لکهنو فعلی را به عنوان مرکز شیعیان هند معرفی می کنند. جامعه شیعیان هند در لکهنو با نفوذ سادات نیشابور و مهاجرت آنان تشکیل می شود. با نفوذ و گسترش زبان فارسی در حوزه سرودن مرثیه در مقام و منزلت سالار شهیدان امام حسین (ع) هزاران "امام باره" حسینیّه تعزیه خانه با مزین کردن اشعار فارسی ساخته می شود. و فرهنگ عاشورا و آزادی امام حسین (ع) در میان مسلمانان شیعه هند از طریق زبان فارسی پایه گذاری می شود.

طوطی هندوستان یا سعدی هند امیر خسرو آغازگرو بانی سبک هندی اگر چه هرگز ایران را نمی بیند اما مستی و طربناکی شعر خود را از شیراز می داند و مثنویهای خود را به شیوه نظامی و غزلهایش را به اسلوب سعدی می سراید.

خوبرویان جفا پیشه وفا نیز کنند به کسان درد فرستند و دوا نیز کنند (سعدی)

دلبران مهر نمایند و وفا نیز کنند دل بر آن مهر نبندی که جفا نیز کنند (امیر خسرو)

میرزا اسدالله خان غالب یکی از نامورترین و بزرگترین شاعران پارسی گوی قرن سیزدهم هجری ۱۷۹۷م دیوان اشعار فارسی خود را در دوره رکود زبان فارسی در هند به اتمام می رساند اما او نیز همچون امیر خسرو دهلوی سعادت دیدار سرزمین آمال و آرزوهایش ایران را نمی یابد. وی در سروده های اشعار فارسی خود می گوید:

۱ - نام باستانی اوده اُترکوشل "ultar koshal" در شاسترا "shastra" یکی از متون قدیمی دینی هندوان "نوشته شده است. نخستین کسی که این شهر را آباد کرد منو "manu" بود. ابتدا این سرزمین پایتخت "راما" بود. پس از درگذشت خاندان رام چندرجی اجودها کاملاً از بین رفته است و جز رود سرجو "sarju" و ناگیشرناتیه "nagesharnath" هیچ اثری از آن باقی نمانده است. هندوان این شهر را اجودها می نامند. ریشه واژه اجودها در سانسکریت اجوده است به معنای نامغلوب. و آج نام برهما است. بنابراین معنای اصلی آن یعنی شهر نامغلوب خدا. اِیودِه / یا اجودِه از جودِه / یودِه به معنای جنگ و مبارزه است. "ا" در زبان سانسکریت علامت پیشوند منفی است. تا سال ۶۳۶ میلادی نام اوده به ایودها معروف بوده است. نام "اوده" یا "لکهنو" فعلی اولین مرکز شیعیان مسلمان هند در زمان مغولان هند توسط مغولان داده شده است.

غالب، از خاک کدورت خیز هندم دل گرفت
 اصفهان هی، یزد هی، شیراز هی، تبریز هی
 گرفته خاطر غالب ز هند و اعیانش
 بر آن سرست که آوازهٔ عجم گردد
 غالب ز هند نیست نوایی که می کشم
 گویی ز اصفهان و هرات و قمیم ما

غالب را در هند "حافظ هند" خطاب می‌کنند. او اگر چه در شیوهٔ سخن سرایی به سبک هندی پایبند است اما با وجود فاصلهٔ زمانی و فاصلهٔ مکانی از حافظ شیراز از فکر و اندیشهٔ وی در جنگ و جدال و نقد با ریاکاران روزگار خویش به سبک عراقی نیز روی می‌آورد.

غالب سخن از هند برون بر که کس اینجا
 سنگ از گهر و شعبده ز اعجاز ندانست

وی در نگارش نثر فارسی نیز پیشگام بود. او در یکی از نامه‌های فارسی خود از شر روزگار خویش می‌نویسد. "اکنون دل بدین‌ها گرایشی نمانده و داعیه رهایی، از بند تن پدید آورده، همه آن می‌خواهم که یکباره مرزو بوم ایران ببیمایم و آتش‌کده‌های شیراز را بنگرم و اگر پای عمر به سنگ نیاید. فرجام کار به نجف اشرف برسم و مزار آن را که از کیش آبایم بدر آورد و خود به خود کشید بنگرم. (غالب، کلیات مکتوب فارسی، ص ۴۶۵)

با کدامین آبرو در کعبه آرم روی خویش
 من که سر جوش حیاتم صرف در بت‌خانه شد (صائب)

کعبه کس منه سے جاؤ گے غالب
 شرم تم کو مگر نہیں آتی (غالب)

سهم صائب تبریزی، این شاعر بزرگ تمثیل گوی، در نفوذ و گسترش و آوازهٔ زبان فارسی در هند بر هیچ صاحب کلامی پوشیده نیست وی در دوران شاه‌جهان و فرزند متعصبش اورنگ زیب عالمگیر به سرزمین هند قدم می‌گذارد. هندوستان در این ایام در دورهٔ رکود فرهنگی به سر می‌برد.

اورنگ زیب با شاعران چندان سر سازگاری نداشت و هنرمندان و موسیقی‌دانان روزگار خویش را از دربار خود رانده بود می‌گویند: روزی گروهی از هنرمندان و موسیقی‌دانهای برجستهٔ وقت تابوتی بر دوش گذاشته و از مقابل اورنگ زیب می‌گذرند. پادشاه می‌پرسد: این جنازهٔ کیست؟ می‌گویند: جنازهٔ موسیقی. می‌رویم تا آن را دفن کنیم. اورنگ زیب با صدای مهیبی می‌گوید: جنازهٔ موسیقی را آنچنان در خاک مدفون سازید که تا قرن‌ها آوازه‌اش برنخیزد. اما همین اورنگ زیب در طول مدت اقامت هشت سالهٔ صائب تبریزی در هند در مقابل دیوان صائب سر تعظیم به جا می‌آورد. می‌گویند مخلص خان بخشی الملک دیوان صائب را به دربار اورنگ زیب می‌فرستد.

شعری که صائب به دربار عالمگیر فرستاده می‌شود این گونه است:

خم چو گردد قد افراخته می‌باید رفت
 پل بر این آب چو شد ساخته می‌باید رفت
 راه باریک عدم راه گرانباران نیست
 هرچه داری همه انداخته می‌باید رفت

باگسترش و پیدایش زبان اردو در قرن نوزدهم گروهی در هراس بودند که دیگر زبان فارسی به فراموشی سپرده می‌شود و جایگاهش بر طاق نسیان، اما باوجود ریشه‌های هندی این زبان و اینکه در مجموعهٔ زبانهای هند و آریائی است تمام نمادها مناظر و صدها رایحهٔ ندیده و تجربه نشدهٔ ایران را به عاریت می‌گیرد. اگر چه تا دورهٔ اورنگ زیب نثرنگاران هندی به روش نثر ترکان تاجیکی می‌نوشتند اما در شعر و شاعری به سبک صائب تبریزی روی می‌آوردند چنانکه اولین شاعر مسلمان هندی میر تقی میر که به "خدای سخن" و یا "پادشاه غم و درد" معروف بود به سبک و سیاق صائب تبریزی به زبان اردو شعر می‌سرود. این گونه با

گسترش و نفوذ زبان اردو در ہند و شبہ قارہ روح زبان فارسی همچنان مستدام در کالبد این زبان پرفتوح باقی ماند۔

محض حرف است کہ او را دہنی ساختہ اند در میان ہست دہانی، سخنی ساختہ اند (صائب)

سچ پوچھو تو کب ہوگا اس کا دھن غنچہ تسکین کے لئے ہم نے اک بات بنالی ہے (میر تقی

میر)

و بدین ترتیب تا پایان قرن دوازدهم ہجری هیچ شاعر اردو زبانی در شبہ قارہ نبود کہ از صائب پیروی نکرده باشد تا جائیکہ بزرگترین قصیدہ سرای ہند "سودا" از تتبع صائب تبریزی صاحب نام می گردد۔

خراب از گردش چشم تو شد کار من ای ساقی بگیر از دست من این جام را کز خویشتن رفتم

سودا:

کیفیت چشم ار اس کے مجھے یاد ہے سودا ساغر کو میری بات سے لیجیو کہ چلا میں [؟]

صائب تبریزی با گسترش تفکر خاص پویا کہ در سبک ہندی خود صاحب آن بود توانست شعر اردو را بہ شعر مستعد تبدیل سازد۔ صائب بذریعہی نہضت آزادی و انقلاب و ملی گرائی را نیز با زبان فارسی در اشعار اردو کاشته بود چنانچہ الطاف حسین حالی کار تہذیب اخلاق را از شعر فارسی آغاز می کند و اقبال لاهوری آن را بہ اوج انقلاب می رساند۔

زنہ سپہر گذشتند گرم رفتاران توسست عزم، همان در شمار فرسنگی صائب

یاران تیز گام نے منزل کو جالیا ہم نے محو نالہ جرس کاروان رہیں

الطاف حسین حالی (شاگرد غالب دہلوی)

ترجمہ :

(دوستان تند رو بہ منزل رسیدند ولی ما ہنوز منتظر صدای جرس نشستہ ایم تا قافلہ ای برسد و بعد ہمراہ آن بہ راہ خود ادامہ دہیم۔)

از آن خورشید برگرد جہان سرگشتہ می گردد کہ بر فتراک صاحب دولتی بستم سرخود را

صائب

عجب کیا گر مہ و پروین میں نخجیر ہو جائیں کہ بر فتراک صاحب دولتی بستم سر خود را

اقبال (در قالب صنعت "ریختہ" ملام)

آنچہ در کار بود ساختش خودسازی است گو مشو کار جہان ساختہ، می باید رفت

سنگ راہ است غم قافلہ و فکر رفیق فرد و تنہا ہمہ جا تاختہ می باید رفت

بہ نفس طی نشود دامن صحرای عدم این رہ دور نفس باختہ می باید رفت

تا مگر شاہد مقصود مصور گردد دل چو آینہ پرداختہ می باید رفت

سپید راهرو از راهزنان عربان است تیغ جان را از نیام آخته می‌باید رفت
این ره پر خس و خاشاک شود پاک به آه علم آه بر افراخته می‌باید رفت

نتیجه:

بدین ترتیب می‌توان دریافت که هندوستان وطن دوم ایرانیان است. زبان فارسی سرزمین همیشه جاویدان و سرفراز ایران بیش از هشتصد سال زبان حکومت و دربار و دیوان حکومتی این سرزمین بوده است. این زبان قدرت و یارای تبدیل تفکر ثنویت عالمان هندو را به توحید و یکتاپرستی در سرودن اشعار فارسی درمیان شاعران از طبقه برهمنان به خوبی داشته است. با نفوذ این زبان "غالب دهلوی" شاعر بزرگ سبک هندی در هند به "حافظ هند" معروف می‌گردد و غالب دهلوی همچو حافظ ایران با مردم غصه می‌خورد و با مردم دلشاد می‌شود. او با شعر حافظ به وجد می‌آید و در قالب و سبک و سیاق و تفکر حافظ می‌گوید.

بیا که قاعده آسمان بگردانیم قضا به گردش رطل گران بگردانیم

امیر خسرو با وجود اینکه طوطی هند است اما سعدی هند به شمار می‌رود و فلسفه اسلامی سعدی و نصیحت و پند و اندرز را در لابه لای اشعار خود جای می‌دهد. صائب تبریزی یکی از زبانهای هند و آریائی یعنی اردو را با تمثیل گوئی خود مستعد می‌سازد و در تفکر و جنبش و نهضت انقلاب و پویائی آن در تفکر اقبال نفوذ می‌کند. به هر تقدیر به قول هندیان ادیب: هرچه از نفوذ زبان فارسی در هند سخن به میان آید به افتخار شبه قاره هند بیشتر افزوده می‌شود چرا که شبه قاره هند مفتخر است که زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی را با تمامی هنرهای چون معماری، نقاشی، خوشنویسی و ... همچون دایه‌ای مهربان سالیان سال در دامن پر مهر خود پرورش داده است. پس دریافتن و تحقیق در هند با توجه به گذشت عرصه هزار سال نفوذ زبان و ادب فارسی در اصل دریافتن مجدد شکوه ایران و ایرانی است.

کتاب شناسی:

- ۱ - آپس، اخلاق احمد، "هندوستان، میں فارسی صحافت کی تاریخ" ایجوکشنل پبلشینگ ۲۰۰۸، نئی دہلی، ہندوستان
- ۲ - عبداللہ، سید، "ادبیات فارسی میں ہندوؤں کا حصہ" انجمن ترقی اردو، ہند، ۱۹۹۲، نئی دہلی ہندوستان
- ۳ - اصغر، آفتاب، "تاریخ نویسی در هند و پاکستان" لاہور، خانہ فرهنگ ج.ا.ا. ۱۳۶۷
- ۴ - غروی، مہدی، نگاہی به سیر زبان و ادب فارسی در پاکستان و هند، ۱۳۵۵ ش، ۴۵
- ۵ - مجلہ دانش، "روزنامہ نگاری فارسی در هند، شماره ۸، اسلام آباد ۱۳۷۲
- ۶ - انجم، خلیق، "کلیات خطوط غالب"، غالب انسٹیوٹ، نئی دہلی، ہندوستان، ۱۹۸۷

نور هدایت

هند پنجاهمین سالگرد تولد سوامی ویویکاناند (Swami Vivekananda)، مردی که معنای جدیدی به فلسفه‌ی صبر و بردباری داد، را جشن می‌گیرد.

نویسنده: بالمیکی پراسادسینگ (Balmiki Prasad Singh)



شخصیت‌های بزرگ کم متولد می‌شوند. این خوش‌شانسی محض ماست که تنها در یک دهه از قرن نوزدهم، سه مرد بزرگ در هند متولد شدند: سوامی ویویکاناند در دوازدهم ژانویه‌ی ۱۸۶۳ میلادی، رابیندرانات تاگور (Rabindranath Tagore) در چهارم می ۱۸۶۹ میلادی؛ و مهاتما گاندی در دوم اکتبر ۱۸۶۹ میلادی. هر کدام در حوزه‌ی کاری خود شخصی فوق‌العاده شدند: سوامی ویویکاناند در مذهب و معنویت، گورو دیو تاگور در ادبیات و مهاتما گاندی در جنبش آزادی و زندگی اجتماعی. سوامی ویویکاناند اولین رهبر در میان این سه فرد مشهور و برجسته بود که تأثیری قابل توجه بر آگاهی و هوشیاری هندیان هم در دوران خودش و هم پس از آن داشت.

نریندرانات دات (Narendranath Dutt) (سوامی ویویکاناند) در خانواده‌ای هندو در کلکته متولد شد. او در دوره‌ی کوتاه ۳۹ سال، معنای جدیدی به فلسفه‌ی هندوی صبر و بردباری داد. او فرقه‌ی راماکریشنا (Ramakrishna) را برای ترویج ارزش‌های فلسفی ودانتا (Vedanta) به وجود آورد و تلاش کرد تا تحصیل و بهداشت و درمان با کیفیت را در سراسر هند، اشاعه دهد.

تلاش سوامی ویویکاناند، سه دیدگاه مربوط به هم دارد. ابتدا او مذهب را به مرکز صحنه آورد و به آن معنای تازه‌ای بخشید. دوم، او بر نیاز به هماهنگی بین عقاید تأکید کرد. سوم، تعالیم او هنوز مرتبط و مطرح هستند.

هم عصر سوامی ویویکاناند، متفکر مشهور آلمانی فردریش نیچه (Friedrich Nietzsche) (۱۸۴۴-۱۹۰۰ میلادی)، اظهار نظر

معروفی کرد که ادعای مرگ خدا را می‌کرد. محققان و نویسندگان بعدی به برجسته ساختن این حقیقت ادامه دادند که مردم دیگر همانند گذشته به خداوند علاقه‌مند نیستند. سوامی جی احساس کرد که علم و منطق امور بشر را قاطعانه‌تر از مذهب هدایت می‌کنند. این امر برای او قابل قبول نبود و او شروع به دادن معنای تازه‌ای به مذهب کرد.

سوامی ویویکاناند اعتقاد داشت که خدمت به خدا، باید به معنای خدمت به فقرا باشد. راهبان و پاندیت‌ها، معابد و مساجد، کلیساها و ساتراها (Satras) را، که به طور سنتی مراکزی برای گفت‌وگوهای مذهبی بودند که به شرکت کنندگان نیاز دنبال کردن ارزش‌های والای توبه و موکشا (moksha) را توصیه می‌کردند، کنار گذاشته سوامی جی چیزی تازه را تأکید کرد و آن کمک به فقرا بود. او واژه‌ی جدید دریدرا نارایان (Daridra Narayana) - خدا در فقرا و افراد سطح پایین - را به عنوان اصلی مذهبی ساخت. دریدرا نارایان حس وظیفه‌ای را به وجود آورد که به مردان و زنان توصیه می‌کرد که اگر می‌خواهند به خدا خدمت کنند، به فقرا خدمت کنند. سوامی ویویکاناند همانند بودا، نقش منطق در هدایت بشری را برجسته ساخت. او معتقد بود که هر آنچه ما انجام می‌دهیم باید دلیل موجه داشته باشد و منطقی باشد. انسان باید بیاموزد که با مذهبی زندگی کند که خودش را با وجدان عقلانی و روحیه‌ی منطقی بیان می‌کند.

مذهب هم‌چنین باید دینی پایدار باشد که بر تکامل عقلانی و معنوی هر انسانی بدون توجه به طبقه‌ی اجتماعی، آیین، جامعه یا نژاد او تأکید کند.

سوامی ویویکاناند تأکید می‌کرد که هر مذهبی باید به فقرا خدمت کند و باید از بین بردن فقر، جهل و نادانی و بیماری بین محرومان و ستم‌دیدگان را در نظر داشته باشد. او هم چنین تأکید می‌کرد که هیچ تبعیضی نباید بین مرد و زن و بین فرقه‌ها و حرفه‌ها وجود داشته باشد. او در حقیقت، خدمت به فقرا را تا سطح عبادت ارتقا داد و در آن سطح، هماهنگی بین عقاید مختلف به طور ناخودآگاه یک شرط لازم شد. چنین محیطی سازش و توافق بین انسان‌ها را می‌طلبد. برای غلبه بر دشمنان و دشمنی لازم است از نفرت دست بکشیم و عشق را پرورانیم و برای همه همدردی و دلسوزی کنیم.

دعای قلبی سوامی جی این بود: "باشد که دوباره و دوباره متولد شوم و از هزاران بدبختی رنج ببرم، تا بتوانم عبادت کنم، خدایم را، بیچارگان را، خدایم را، فقرا از همه‌ی نژادها و از همه‌ی قوم‌ها را."

امروزه، دیگر تنها و مجزا زندگی کردن امکان ندارد. مردم از عقاید مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند. در نتیجه، درک یکدیگر: نیازها و آرزوها و رسوم اعتقادی و دینی آن‌ها لازم و ضروری است.

بررسی دقیق، تعالیم و اعمال سوامی جی معلوم می‌سازد که او جلوتر از زمان خودش فکر می‌کرد. ایده‌های او، بر گفت‌وگو بین ادیان تأکید می‌کند و توجیه تعدد ادیان و الگوهای اعتقادی، به دنیای از هم گسیخته‌ی امروز بسیار مرتبط است.

سوامی ویویکاناند تشریح می‌کرد که فلسفه‌ی وداناتا، برهمنی یا بودایی، مسیحی یا مسلمانی نیست بلکه مجموعه‌ی کلی از همه‌ی این‌هاست. در سخنرانی تاریخی خود در مجلس ادیان در شیکاگو در یازدهم سپتامبر، سال ۱۸۹۳ میلادی، سوامی جی این طور شرح داد: **مسیحی نباید هندو یا بودایی شود یا هندو یا بودایی نباید مسیحی شود. اما هر کدام باید شخصیت دیگران را درک کند و در عین حال، فردیت خودش را حفظ کند و طبق قانون پرورشی خودش پرورش یابد.**

سوامی جی هم‌چنین متوجه شد که این امر به شرایط و موقعیت هند مربوط است. ایده‌ی هندی این بود که انسان را وادار سازد تا بهترین چیزی را که می‌تواند در محیط خود بیابد و با همه‌ی خلوص نیت به آن عمل کند. مفهوم هندو چیزی بوده‌است که توسط پارامهانسای راماکریشنا (Paramahansa Ramakrishna) به شکل یک سخن موجز شرح داده شده: "جاتومت، تاتوپت"

(Jato mat , Tato path)، به معنای " به تعداد عقاید بسیار ، راههای بسیاری وجود دارد؛ سوامی برای تعدد نگرش ها در امور انسانی بسیار ارزش قائل می شد و بر ضد همسانی و هم شکلی صحبت می کرد.

سوامی موافق هماهنگی بین عقاید مذهبی و مخالف مذهبی واحد برای همه بود. همانطور که سوامی ویویکاناند می گوید: بزرگ ترین بدبختی که برای دنیا پیش می آید این خواهد بود که همه ی انسان ها یک مذهب واحد، یک شکل عمومی عبادت، یک معیار اخلاقی را بشناسند و بپذیرند. این ضربه ی مهلکی به کل پیشرفت مذهبی و معنوی خواهد بود. آموزه ها و اعمال سوامی جی دو جنبه دارد که به ویژه به هند و دنیای امروز مربوط هستند.

سوامی ویویکاناند یکی از بزرگ ترین بنیان گذاران جنبش ملی آزادی هند بود. مردم بسیاری که در زمان خودش و بعد از آن در مبارزه ی آزادی فعالانه شرکت کردند، از او الهام می گرفتند. اشخاصی مانند راماکریشناپارام هانسا و سوامی ویویکاناند ، شیوه ای از زندگی را برای مردم نه تنها با در نظر گرفتن خوش بختی معنوی شان بلکه در نگرش آن ها نسبت به جامعه ارائه دادند. تأکید بر خدمت کردن به فقرا نه تنها وظیفه ی اجتماعی است که باید انجام شود بلکه راه رستگاری نیز است.

دمکراسی هند با توجه به ناتوانی ما برای دور نگه داشتن ماموران دولت از وسوسه ها با چالشی جدی روبه روست. فرقه ی راماکریشنا که توسط سوامی جی تأسیس شد از زمان آغازش از اعضای آن با شیوه ای مواظبت کرده است که آن ها هنوز هم نمادهای درستی و وفاداری به وظیفه هستند. این امر چگونه محقق شده است؟ این فرقه به نیازهای غذایی، پوشاک، سرپناه و بهداشت و درمان هر یک از اعضا توجه می کند. برابری رفتاری قابل توجهی در رابطه با تامین غذا، پوشاک و بهداشت و درمان وجود دارد. به کارمندان خود با آموزش و ایده گرایی انگیزه می دهد. به عبارت دیگر، احزاب سیاسی هیچ روشی برای حمایت یا باقی نگه داشتن اعضای فعالشان ندارند. برای احزاب سیاسی زمان آن فرارسیده است تا درس هایی درست و مناسب از فرقه ی راماکریشنا بگیرند.

ما در دنیایی زندگی می کنیم که با نفرت و خشونت گروه های تروریستی و انتحاری مشخص می شود. تروریست ها برای توجیه کارهای شیطانی خود از شعارهای مذهبی استفاده می کنند. مردم بسیاری هستند که به این اظهار نظر اعتقاد دارند. " خدای من برتر از خدای شماست ". چگونه یک انسان مذهبی می تواند تروریست باشد؟ چگونه یک شخص مذهبی می تواند به گروه انتحاری بپیوندد اگر به خدمت بیچارگان اعتقاد داشته باشد؟ سوامی جی برای همه ی این پرسش ها و نیز توجیه تعدد ادیان و هماهنگی بین مذاهب پاسخ داشت.

سوامی ویویکاناند در پارلمان مذاهب به درستی اعلان کرده بود: اگر کسی رویای تنها بقای مذهب خودش و نابودی مذاهب دیگر را داشته باشد، من از اعماق وجودم برایش متأسف هستم و به او یادآور می شوم که بر روی پرچم هر مذهبی علی رغم مخالفت به زودی نوشته خواهد شد: "کمک، نه جنگ و جذب کردن، نه نابودی و هماهنگی و صلح، نه مشاجره و نزاع."

سوامی ویویکاناند از لحاظ قیافه، عقاید و کردار زیبا بود. چنین ترکیب زیبایی به ندرت در یک فرد دیده می شود. دوره ی کوتاه زندگی و کارهای جاویدان او، نمونه ی نادری از جدیت و سعی و تلاش یک فرد در تاریخ بشری است.

هند یکصدوپنجاهمین سالگرد تولد سوامی ویویکاناند را جشن می گیرد، بیا بید به آن پردازیم و برای ساختن ملتی قوی از هند و جامعه ای عادل و دنیایی بهتر برای زیستن کار و کوشش کنیم.

♦ بالمیکی پراسادسینگ، فرماندار سیکیم است و یک محقق ، متفکر و کارمند دولتی برجسته است. آخرین کتاب او بهودها و دنیایی پس از ۹/۱۱ (Bahudha and the post-9/11 World) است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، مارس ۲۰۱۲م.



سوامی و یوگناناند



بنای یادبود صخره‌ای ویویکاناند در کانیاکوماری (Kanyakumari)



معبد سوامی ویویکاناند در بیلورمات (Belur Math)، بنگال غربی

...ادامه "در آئینه تصویر"



همسر گرامی نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ همراه با همسر گرامی رئیس جمهور محترم ایران جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد



همسر گرامی نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ از کاخ گلستان بازدید به عمل آورد



همسر گرامی نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ از کاخ نیاوران دیدن نمود



هیئت هندی در اجلاس سران جنبش غیر متعهدهای ۲۰۱۲ م در تهران - عکسی با نخست وزیر محترم هند آقای دکترا مانموهان سینگ



سفیر هندوستان جناب آقای دی. پی. سریواستاوا در حال ایراد سخنرانی در روز استقلال هند در محل سفارت هند در تهران



سفیر هندوستان جناب آقای دی. پی. سریواستاوا در حال قرائت پیام رئیس جمهور هند در روز استقلال هند در محل سفارت هند در تهران



دانش آموزان کیندریا ویدیالیا در حال اجرای سرود در روز استقلال هند در محل سفارت هند در تهران

برنامه فارسی رادیو دهلی

برنامه صبح از ساعت هشت و نیم تا نه به وقت تهران، روی امواج کوتاه ۱۹ متر برابر با ردیف های ۱۱۷۳، ۱۵۷۷۰ و ۱۷۸۴۵ کیلوهرتز

۸/۳۰ آغاز برنامه

۸/۳۱ یک آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (روزهای جمعه)

۸/۳۵ اخبار هند و جهان

۸/۴۵ برنامه ترانه های فیلم هندی / برنامه روحانی (پنج شنبه ها)

۹/۰۰ برنامه ترانه غیر فیلمی (جمعه ها) / برنامه ترانه فیلم های قدیم (شنبه ها)

برنامه شب از ساعت ۲۰/۴۵ تا ساعت ۲۳/۰۰ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۳۰ و ۴۱ متر برابر با ۷۱۱۵، ۹۹۰۵ و ۱۱۵۸۵ کیلوهرتز

۲۰/۴۵ آغاز برنامه

۲۰/۴۶ آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (جمعه شب ها)

۲۰/۵۰ اخبار هند و جهان

۲۱/۰۰ ترانه فیلم هندی

۲۱/۰۵ تفسیر روز

۲۱/۱۰ موسیقی اصیل هندی

۲۱/۱۵ بررسی جراید هند

۲۱/۲۰ گفتار (یک شنبه و سه شنبه) / برنامه ادبی (دوشنبه ها) / گل های رنگارنگ (چهارشنبه شب ها) / برنامه قوالی (پنج شنبه شب ها)

/ برنامه سرودهای محلی (جمعه شب ها) / جهان سینما (شنبه شب ها) / بررسی فیلم ها - برنامه راجع به یک شخصیت فیلم هندی

۲۱/۳۰ برنامه قوالی و برنامه نوای هند (یکشنبه شب ها) / برنامه ترانه های یک فیلم هندی (سه شنبه شب ها) - ترانه یک هنرمند

(شنبه شب ها)

۲۱/۴۰ برنامه غزل (پنج شنبه شب ها)

۲۱/۵۵ برگزیده اخبار

۲۳/۰۰ پایان برنامه

اگر مایل باشید مکاتبه کنید می توانید نامه های خود را به یکی از دو نشانی زیر ارسال دارید :

رئیس بخش فارسی رادیو دهلی

توسط سفارت هند - تهران، خیابان میرعماد، شماره ۲۱

Incharge

Persian Unit, External Services Division, All India Radio, Room No. 515, New B' Casting House, Sansad Marg, New Delhi - 110001 India

اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع می رسد که رادیو و تلویزیون سراسری هند برنامه اخبار خود را به صورت آنلاین آغاز کرده اند.
وب سایت ها از قرار زیر است :

<http://www.newsonair.nic.in>

<http://www.newsonair.com>

ویژگی خاص این وب سایت ماهیت چند زبانه آن است. بازدید کنندگان می توانند نه تنها برنامه های خبری را به زبان های انگلیسی و هندی بلکه به شانزده زبان منطقه ای از جمله پنجابی را نیز گوش دهند. به غیر از اخبار فرمت شنیداری مزیت استفاده از صورت ساده و استاندارد زبانهای مربوط را دارد که می تواند برای نوآموزان و مشتاقان زبان سرمشق باشد.

امیدواریم که این وب سایت ها برای دوستانان هند و کسانی که زبانهای هند را می آموزند مورد علاقه فراوان خواهد بود.

Āina-i-Hind

A Bimonthly Publication of Press and Cultural Section of Indian Embassy (Tehran)

No. 47, August-September 2012



نخست وزیر محترم هند جناب آقای دکتر مانموهان سینگ برای دیدن رئیس جمهور محترم
ایران جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد رفت